

جدول وجوهاتی که تفنگچیها و اشخاص متفرقه دیگر از مال التجاره راه بوشهر و کازرون می گیرند

ماه ژون ۱۹۰۷	ماه ژون ۱۹۰۹	شاهی قرآن	شاهی قرآن	شاهی قرآن	شاهی قرآن
برای يك قاطر بوشهر دم دروازه	۱	۱۸	—	—	—
بیرون دروازه	—	—	—	—	—
چغاوك [= چغاوك]	—	—	—	—	—
برای يك رأس قاطر	۱	۱	۲۵	۱	۱۰
برای ۲۵ رأس قاطر	۱۰	۴	۲۵	۱۰	۱۰
برای يك رأس قاطر	۱۰	۲	۲۵	۱۰	۱۰
برای ۲۵ رأس قاطر	۶	۳	۲۵	۱۰	۱۰
برای ۲۵ رأس قاطر	۲	۲	۲۵	۱۰	۱۰
برای يك رأس قاطر	۱	۳	۲۵	۱۰	۱۰
برای ۲۵ رأس قاطر	۱۰	۴	۲۵	۱۰	۱۰
تل برازجان	—	—	—	—	—
جاتا [جطوط؟]	—	—	—	—	—
قراول خانه	—	—	—	—	—
آب گنده	—	—	—	—	—
دالکی	—	—	—	—	—
برای ۲۵ رأس قاطر	۱	۳	۲۵	۱۰	۱۰
برای ۲۵ رأس قاطر	۵	—	۲۵	۱۰	۱۰
برای ۲۵ رأس قاطر	۴	۳	۲۵	۱۰	۱۰
برای ۲۵ رأس قاطر	۴	—	۲۵	۱۰	۱۰
برای يك رأس قاطر	۲	۳	۲۵	۱۰	۱۰
برج نماز گاه	—	—	—	—	—
پل دالکی	—	—	—	—	—
دریاقلی	—	—	—	—	—
برای ۲۵ قاطر که ۱۳	۱۰	۲	۲۵	۱۰	۱۰
پوند قند حمل می کند	—	—	—	—	—

ماه ژون ۱۹۰۷

ماه ژون ۱۹۰۹

شاهی قران

شاهی قران

برای يك رأس قاطر بانکی	—	۱۰	برای يك رأس قاطر	۱	۵
کنار تخته	—	—	برای ۲۵ قاطر که ۷	۳	—
			پوند قند حمل می کند		
جعفر جن	—	—	برای يك رأس قاطر	۲	۵
تخت کی	—	—	برای يك رأس قاطر	—	۲
چرون [چروم]	—	—	برای يك رأس قاطر	۳	۸
کنل کمارج	—	—	برای يك رأس قاطر	۳	۱۵
تنگ ترکان	—	—	برای يك رأس قاطر	۳	۸
کاروانسرا	—	—	برای يك رأس قاطر	۲	۴
دریس	—	—	برای يك رأس قاطر	۲	۱۸
قهو مخانه	—	—	برای يك رأس قاطر	۲	۱۰
کازرون	—	—	برای يك رأس قاطر	۲	۱۱
			برای يك رأس قاطر	۱۴	۳
			برای يك رأس قاطر	۶۷	۱۰

تقریباً ۱۵ قران برای يك رأس قاطر گرفته می‌شود.
جدول فوق نشان می‌دهد که از سال ۱۹۰۷ تا سال ۱۹۰۹ برای يك رأس قاطر مبلغ یازده قران و سه شاهی ترقی کرده است و همچنین راهداری و مالیاتهای غیرقانونی را که تا کازرون گرفته می‌شود ارائه می‌نماید. طریقه دیگری که در سر راهها طایفه دزدان با صاحبان املاک برای خود اتخاذ کرده‌اند اینست برای قاطرچیها اجازه نمی‌دهند تا از جای دیگر حمل علوفه نمایند بلکه مجبورند که از ارباب دهات به قیمت گران خریداری نمایند.

تفصیل عهدنامه‌ای که دولت ایران بسته و هر روز بواسطه مالیاتهای غیرقانونی از آن عهدنامه تخلف می‌ورزند از اینقرار است:

(۱) ماده ۴ فرمان اعلیحضرت شاه مورخه ۲۸ فوریه ۱۹۰۹ که بموجب آن ماده تمام مالیاتهای داخلی از قبیل مالیات خانات - راهداری، میدانداری، قپانداری و نظیر این قسم مالیاتها - بکلی ممنوع است.

(۲) ماده ۳ قوانین گمرکی.

(۳) ماده ۴ عهدنامه تجارتي ۱۹۰۳ انگلیس و ایران که به موجب آن دولت ایران تعهد کرده که مالیاتهای راهداری را موقوف نموده و من بعد هم از مالیات‌بندی سر راهها ممانعت نماید.

امضاء چیک

نمره - ۱۸۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۹ اوت ۱۹۰۹ [۱۷ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل را کفیل ژنرال قسولگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من مخبره کرده است:
«از ژنرال قسول روس اطلاع پیدا کردم که یکی از خویشان خان ماکو در بایزید به ویس قسولگری روس پناهنده شده و می‌خواهد خوانین ماکو را به حمایت روسیه وارد نماید تا از حملات ملتیان که منظور دارند فراغت تحصیل نمایند.

مسیو سابلین از دولت متبوعه خود اجازه خواسته تا به همراهی من به دولت ایران اصرار نمایم که اعلان عفو عمومی را منتشر نماید تا به این ترتیب اقدامات اغتشاش کارانه ملتیان مثل این که می‌خواهند به خان ماکو حمله نمایند رفع شده و دیگر سفارتین خصوصاً سفارت روس تا به این اندازه از حمایت خواستن مستبدین دچار زحمت نباشند. من گاه‌لا با این پیشنهاد مسیو سابلین موافق هستم و گمان می‌کنم که خوب است این عفو عمومی بطوری که در پروگرام پیشنهادی ما به محمد علی میرزا بود انجام گیرد.

نمره - ۱۹۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۹ اوت ۱۹۰۹ [۱۷ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

دولت ایران مابین رشت و طهران در منجیل حرکت ظل السلطان را توقیف کرده است. پسر ظل السلطان بتوسط يك مراسله از من خواهش نموده است که در این امر دخالت نمایم ولی من هیچ اقدامی را قبول نکردم.

نمره - ۱۹۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۸ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

حکومت فارس

در تلگراف هشتم این ماه تعیین حکومت عین الدوله را راپورت دادم. حالا از قرار معلوم دولت ایران بنا به رأی تقی زاده که بتازگی از تبریز وارد شده است خیال تغییر آن را در نظر دارد. بدبختانه نتیجه این سلب اطمینان این شده که اوضاع شیراز دوباره قدری مغشوش شده است.

من به دولت ایران اصرار می نمایم که بدون تأخیر حکومت مقتدری را تعیین نمایند ولی اگر همان حکومت عین الدوله تصویب شود بهتر خواهد بود.

نمره - ۱۹۲

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرن، از وزارت خارجه لندن. در خصوص پیشنهادی که در تلگراف ۹ ماه اوت از طهران شده بود عقیده دولت روس را تحصیل نمایید.

به کفیل وزارت خارجه اطلاع بدهید که اگر دولت روسیه به نمایندگی مقیم طهران خود بهمینطور دستورالعمل بدهد دولت اعلیحضرتی به سر بارکلی دستورالعمل خواهد داد که به دولت ایران اصرار نماید که پیشنهاد عفو عمومی را به موقع اجراء بگذارند. به نظر من این پیشنهاد خیلی مفید باشد.

نمره - ۱۹۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۱ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۹ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

ملتیان ظل السلطان را به رشت عودت دادند و در آنجا توقیف نمودند. دو مرتبه پسر

ظل‌السلطان از من درخواست دخالت نموده و اظهار داشت که دولت می‌خواهد وجوه نقدیه از او جبراً بگیرد. اگر چه به عقیده من ظل‌السلطان در صورتی که برخلاف نصایح ما عمل نمود قانوناً نمی‌تواند از ما تقاضای حمایت نماید ولی با وجود این خیال دارم به دولت ایران اطلاع بدهم که خوب است بگذارند ظل‌السلطان سالم‌آ از ایران برگردد. در موقع ارسال این نوشته خیال دارم که از همکار روسم استمداد نمایم.

نمره - ۱۹۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

همانطوری که در تلگراف ۱۰ این ماه خود پیش‌بینی کرده بودم دولت ایران حکومت فارس را تغییر داد و در عوض عین‌الدوله سهام‌الدوله را که تاکنون به حکومت‌های جزو منصوب می‌شد به جای او معین نمود.

علاماتی مقارن ورود تقی‌زاده ظهور کرده است: من جمله در جای اینکه حکومتها را به اشخاص تجربه‌دیده قدیم بدهند، می‌خواهند اشخاصی را سر کار بیاورند که دخیل حکمرانی سابق نبودند و امیدوارند که به این ترتیب می‌توانند از رشوه‌گیری حکام که از قدیم‌الایام در ایران حکمفرما بوده جلوگیری نمایند.

نمره - ۱۹۵

تلگراف مستر اوبرن به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ.

کفیل وزارت امور خارجه به من اطلاع داد که امیدوار است تا فردا امپراطور اقامت شاه مخلوع را در کیف تصویب نماید. دولت روسیه متحمل مخارج آن اعلیحضرت خواهد شد. کشتی حاضر خواهد بود تا او را به پتروسکی حرکت بدهد و به مسیو سابلین به مضمون فوق دستورالعمل داده شده است.

نمره - ۱۹۶

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۹ [۸ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

شما می‌توانید با معیت همکار روس خودتان تحصیل عفو عوهی نمایید.

نمره - ۱۹۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۲ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

(خواهش دارم تلگراف ۱۲ ماه اوت مستر اوبرن را ملاحظه فرمایید.) ما به دولت ایران اعلان خواهیم کرد که اعلیحضرت شاه سابق در ۱۸ ماه حرکت خواهد کرد و درخواست می‌نمایم که تهیه حمل و نقل را آماده نمایند.

نمره - ۱۹۸

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

(راجع است به مراسله مورخه ۱۷ ماه ژون) افتخار دارم که لفا ترجمه قانون انتخابات جدید را که به تاریخ اول ژوئیه [۱۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] منتشر شده است تقدیم دارد.

ضمیمه در نمره ۱۹۸

قانون انتخابات

مقدمه

چون برحسب اقتضات وقت پاره‌ای از مواد نظامنامه انتخابات اعضای مجلس شورای ملی لازم‌التغییر دیده شد بموجب امر اعلیحضرت شاهنشاهی جمعی از خیرخواهان ملت باتفاق اعضای مجلس شورای مملکتی کمیونی مرکب از ۲۰ نفر به اکثریت آراء تشکیل دادند که نظامنامه جدیدی ترتیب دهند. چون در قانون اساسی به چهار ماده راجع به امر انتخابات اشاره شده بود و تغییر آن مواد با اصول مزبور مخالفت می‌نمود محض رفع این محذور کمیون مزبور مواد مهمه نظامنامه را که تنظیم کرده بود [به] آراء خیراندیشان ممالک مهمه ایران عرضه داشت. مراکز مهمه مملکت در این باب حق نظر خودشان را به مرکز آذربایجان تفویض نمودند. عقلای آن مرکز عمده تغییر مواد اربعه را تصویب و ملاحظات خود را در مواد مهمه دیگر پیشنهاد کردند. علیهذا با رعایت ملاحظات مرکز آذربایجان این نظامنامه تحریر و تنظیم شد در تحت این ملاحظه که مجلس شورای ملی بعد از آنکه بمبارکی افتتاح یافت به موجب اختیاری که در قوانین اساسی برای او مقرر است در استقرار یا جرح و تعدیل هر يك از مواد نظامنامه آنچه صلاح داند منظور فرماید.

فصل اول

عده نمایندگان ملت و تقسیم آن به ایالات و ولایات

ماده ۱) عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در ممالک ایران ۱۲۰ نفر

تعیین می‌شود.

ماده ۲) تقسیم نمایندگان ملت نسبت به جمعیت تخمینی ولایات و اهمیت محلی از قرار شرح جدولی است که به آخر نظامنامه منضم شده است.

ماده ۳) چون بواسطه فقدان اسباب لازمه محل انتخابات فقط در شهرهای بزرگ و کوچک خواهد بود لهذا از غالب بلوکات و ایلات که حاکم نشین آنها شهریت ندارد در این نظامنامه اسم برده نشده. لیکن اهالی بلوک و ایلات هر ولایت با داشتن شرایط مقرر می‌توانند در یکی از شهرهای آن ولایت حاضر شده به انتخابات شراکت نمایند.

فصل دوم

شرایط انتخاب کنندگان

ماده ۴) انتخاب کنندگان اشخاصی خواهند بود که دارای شرایط ذیل باشند:

- ۱) تبعه ایران باشند.
- ۲) لا اقل ۲۰ سال داشته باشند.
- ۳) معروفیت محلی داشته اگر بومی یا متوطن آن محل نباشند لا اقل ۶ ماه قبل از انتخاب در محل انتخاب یا توابع آن سکنا داشته باشند.
- ۴) لا اقل دارای ۲۵۰ تومان علاقه ملک یا ده تومان مالیات بده باشند یا ۵۰ تومان عایدی سالیانه داشته و یا تحصیل کرده باشند.
- ماده ۵) اشخاصی که از حق انتخاب نمودن مطلقاً محروم‌اند:
 - ۱) نسوان.
 - ۲) اشخاص خارج از رشد و آنهایی که در تحت قیمومت شرعی هستند.
 - ۳) تبعه خارجه.
 - ۴) اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع‌الشرایط به ثبوت رسیده باشد.
 - ۵) اشخاصی که کمتر از ۲۰ سال داشته باشند.
 - ۶) ورشکستگان بتقصیر.
 - ۷) مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده‌اند و معروفین به ارتکاب قتل و سرقت و غیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند.

۸) اهل نظام بیری و بحری که مشغول خدمت‌اند.

ماده ۶) اشخاصی که بشرط از انتخاب نمودن محروم‌اند:

۱) حکام و معاونین حکام در قلمرو مأموریت خود.

۲) مستخدمین نظمی و ضبطیه در محل خدمت.

فصل سوم

شرایط انتخاب شوندگان

ماده ۷) انتخاب شوندگان باید دارای صفات و مقامات ذیل باشند:

- (۱) متدین به دین حضرت محمد بن عبدالله (ص) باشند مگر نمایندگان ملل مسیحی و زردشتی و یهود که آنها هم باید در دین خود ثابت العقیده باشند.
- (۲) تبعه ایران باشند.
- (۳) لا اقل خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند.
- (۴) معروفیت محلی داشته باشند.
- (۵) در امور مملکتی با بصیرت باشند.
- (۶) معروف به امانت و درستکاری باشند.
- (۷) سن آنها کمتر از ۳۰ و زیاده از ۷۰ سال نباشد.
- ماده ۸ (اشخاصی که از انتخاب شدن محروماند:
 - (۱) شاهزادگان بلا فصل، یعنی ابناء و اخوان و اعمام پادشاه.
 - (۲) نسوان.
 - (۳) تبعه خارجه.
 - (۴) اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمت اند.
 - (۵) اشخاصی که مشغول خدمات دولتی هستند مگر اینکه برای مدت نمایندگی از شغل استعفاء دهند.
 - (۶) ورشکستگان بتقصیر.
 - (۷) مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین به ارتکاب قتل و سرقت و غیره که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند.
 - (۸) کسانی که سنشان از ۳۰ کمتر و از ۷۰ بیشتر باشد.
 - (۹) اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط به ثبوت رسیده باشد و یا متظاهر به فسق باشند.

فصل چهارم

در تشکیل انجمن نظارت

- ماده ۹ (در هر مرکز انتخاب هیئتی به اسم انجمن نظارت موقتاً تشکیل می شود که مراقب و مسؤل صحت انتخابات خواهد بود.
- ماده ۱۰ (انجمن نظارت در محلهایی که انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون برقرار است مرکب خواهد بود از ۳ نفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایتی و چهار نفر از محترمین محل در تحت ریاست حاکم. این چهار نفر محترمین را انجمن ایالتی یا ولایتی به تصویب حاکم از غیر اعضاء خود معین خواهد کرد.
- ماده ۱۱ (در محلهایی که انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون هنوز تشکیل نیافته انجمن نظارت مرکب [است] از علماء معروف محل و یک نفر از شاهزادگان و دو نفر از معتبرین تجار (در هر جا که یکی از اشخاص مذکوره نباشد بعوض او از اعیان یا تجار معین می شود).

ماده ۱۲) در شهرهای بزرگ به جهت دادن تعرفه، انجمن نظارت می‌تواند در هر محله شعبه جداگانه تشکیل نماید مرکب از کدخدا و ۵ نفر از معتمدین محل.
 ماده ۱۳) انجمن نظارت از میان اعضاء خود يك يا دو نفر منشی انتخاب می‌نماید.
 ماده ۱۴) انجمن نظارت يك هفته بعد از انجام انتخابات متفرق می‌شود.

فصل پنجم طریقه انتخاب

ماده ۱۵) انتخاب در کلیه ممالک ایران بطرز دو درجه خواهد بود.
 توضیح اول: مراد از انتخاب دو درجه آن است که ابتداء در محله‌های يك شهر يا در شهرهای يك حوزه انتخابیه عدۀ معینی را انتخاب می‌نمایند که منتخب نامیده می‌شوند و بعد این انتخاب شدگان درجه اول در مرکز حوزه انتخاب جمع شده از میان خود عدۀ مطلوبه را ثانیاً انتخاب می‌کنند و این انتخاب شدگان درجه ثانی نامیده خوانده می‌شوند.
 توضیح دوم: مراد از حوزه انتخابیه آن قسمتی از مملکت است که موافق تقسیم نظامنامه يك يا چند نفر را مشترکاً انتخاب کرده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می‌فرستند اعم از اینکه آن قسمت در تحت يك يا چند حکومت باشد مرکز حوزه آن نقطه است که انتخاب درجه ثانی حوزه در آنجا واقع می‌شود.
 ماده ۱۶) انتخاب درجه اول و ثانی کلیتاً به طرز انتخاب جمعی خواهد بود مگر در محلهایی که موافق تقسیم نظامنامه بیش از يك نفر حق انتخاب ندارند. در این صورت به انتخاب فردی عمل می‌شود.
 توضیح: مراد از انتخاب جمعی آن است [که] هر يك از انتخاب‌کنندگان در ورقه رأی به عدۀ مجموع انتخاب‌شوندگان آن محل اسامی اشخاص [را] می‌نویسند. مراد از انتخاب فردی آن است [که] هر يك از انتخاب‌کنندگان در ورقه رأی اسم يك شخص را می‌نویسند.
 ماده ۱۷) انتخاب درجه اول به اکثریت نسبی و انتخاب درجه ثانی به اکثریت تام خواهد بود.
 توضیح: مراد از اکثریت تام آن است که بیشتر از نصف رأی‌دهندگان درباره کسی رأی داده باشند.
 ماده ۱۸) در انتخاب درجه اول اشخاصی که نسبت به عدۀ کلیه انتخاب‌کنندگان حوزه انتخابیه اکثریت تام حاصل کنند مستغنی از انتخاب درجه ثانی بوده بسمت عضویت مجلس شورای ملی قبول می‌شوند.
 ماده ۱۹) در انتخاب درجه ثانی اگر دفعه اول و دوم درباره کسی اکثریت تام حاصل نشد دفعه سیم همان شخص به اکثریت نسبی منتخب خواهد بود.
 ماده ۲۰) در صورت تساوی آراء بین دو يا چند نفر هرگاه انتخاب يك نفر از آنها محل حاجت باشد آن يك نفر به حکم قرعه معین می‌شود.

ماده ۲۱) در انتخاب درجه اول عدّه انتخاب‌شوندگان هر حوزه انتخابیه سه مقابل‌عدّه نمایندگان خواهد بود که برای آن حوزه در ماده دوم معین شده است.

ماده ۲۲) در حوزه انتخابیه طهران انتخاب درجه اول از ۵ محله که هر یک در تحت ریاست یک کدخدا است بعمل خواهد آمد موافق تقسیمی که انجمن نظارت معین خواهد کرد.

ماده ۲۳) در حوزه انتخابیه ایالات و ولایات انتخاب درجه اول در تمام شهرهای آن حوزه به اکثریت نسبی بعمل خواهد آمد. بعد این منتخبین درجه اول در موعدی که انجمن نظارت مرکزی معین می‌کند در مرکز حوزه حاضر شده مجتعماً از میان خودشان به عدّه‌ای که در ماده دوم به جهت آن حوزه تصریح شده است به اکثریت تام نماینده انتخاب خواهند کرد.

ماده ۲۴) پنج ایل عمده شاهسون، آذربایجان، بختیاری، قشقائی، ایلات خمه فارس، و ترکمان موافق تقسیم نظامنامه هر کدام یک نماینده مستقیماً به عضویت مجلس شورای ملی می‌فرستند. طرز انتخاب ایلات هم دو درجه است لیکن عدّه منتخبین درجه اول هر ایل و مرکز انتخاب درجه ثانی را وزارت داخله معین خواهد کرد. در این مورد انتخاب درجه ثانی به حکم قرعه خواهد بود.

ماده ۲۵) در صورتی که انتخاب‌شدگان شهرهای جزو در موعدی که انجمن نظارت مرکزی برای حضور آنها معین کرده در مرکز آن حوزه حاضر نشوند برای آن دوره حق انتخاب از آنها ساقط است و همان عدّه‌ای که در سر موعده حاضر شده‌اند نمایندگان آن حوزه را از میان خودشان انتخاب خواهند کرد.

ماده ۲۶) هر یک از انتخاب‌کنندگان زیاده بر یک مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود.

ماده ۲۷) در درجه اول انتخاب‌کنندگان مجبور نیستند که حتماً از ساکنین محل خود انتخاب کنند.

فصل ششم

دادن تعرفه برای تشخیص انتخاب‌کنندگان

ماده ۲۸) انجمن نظارت اعلانی مرتب نموده بمناسبت اهمیت محل از ۵ الی ۱۵ روز قبل از موعده انتخاب اشاعه می‌دهد.

ماده ۲۹) اعلان مذکور مطالب ذیل را دارا خواهد بود:

- ۱) شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان.
- ۲) محل و اوقاتی را^۱ که انجمن نظارت یا شعب آن ورقه تعرفه خواهد داد.
- ۳) مکان و زمانی که انجمن نظارت برای اخذ رأی حاضر خواهد بود.
- ۴) عدّه نمایندگان را^۲ که صاحبان تعرفه باید منتخب نمایند.

(۱) بهمین گونه است در اصل ولی گویا از ۵ الی ۱۵ روز درست باشد. - ۴

(۳۰۲) بهمین گونه است در اصل. - ۴

ماده ۳۰) اشخاصی که شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر در ظرف مدتی که انجمن نظارت به جهت گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگیرند حق انتخاب برای آن دوره از آنها ساقط است.

ماده ۳۱) تعرفه‌ای که به انتخاب‌کنندگان داده می‌شود محتوی فقرات ذیل خواهد بود:

(۱) نمره و تاریخ.

(۲) اسم دارنده تعرفه و اسم پدر او.

(۳) شغل و منزل.

(۴) زمان و مکانی که دارنده تعرفه باید حاضر شده رأی خود را بدهد.

(۵) ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب.

(۶) مهر یا امضای اعضای انجمن نظارت.

ماده ۳۲) انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفه‌هایی را که می‌دهد به ترتیب نمره در کتابچه مخصوص ثبت خواهد نمود.

فصل هفتم

در اخذ و استخراج آراء و تعیین انتخاب‌شدگان

ماده ۳۳) بمناسبت اهمیت محل مدت اخذ رأی از يك الى سه روز خواهد بود به تعیین انجمن نظارت.

ماده ۳۴) پس از انقضاء موعدی که انجمن نظارت برای اخذ رأی معین می‌کند دیگر ورقه رأی از کسی قبول نخواهد شد.

ماده ۳۵) دادن رأی باید مخفی باشد و از این جهت باید دارنده تعرفه قبل از دخول به مجلس انتخاب اسم يك یا چند نفر منتخبین خود را مطابق عده‌ای که اعلان شده است روی کاغذ سفید بی نشان نوشته لوله کرده با خود داشته باشد.

ماده ۳۶) پس از حضور اعضای انجمن نظارت و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلان شده قبل از شروع به گرفتن ورقه رأی رئیس انجمن نظارت جعبه‌ای را که برای ضبط اوراق رأی معین شده است در حضور اعضاء انجمن و حاضرین از انتخاب‌کنندگان باز نموده خالی بودن آن را می‌نماید.

ماده ۳۷) هر يك از دارندگان ورقه تعرفه پس از ورود به مجلس انتخاب در کمال آرامی تعرفه و ورقه رأی خود را به یکی از اعضاء که برای این کار معین شده می‌دهد.

ماده ۳۸) گیرنده تعرفه نمره تعرفه را به صوت بلند می‌گوید تا منشی انجمن نمره را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا کرده نشان کند. پس از نشان کردن نمره گیرنده تعرفه آن را ابطال نموده به صاحبش رد می‌نماید و ورقه رأی او را بدون نگاه کردن در جعبه انتخاب می‌اندازد. صاحبان تعرفه با احتیاط مواردی که تجدید انتخاب لازم شود تعرفه باطله خودشان را محفوظ خواهند داشت.

ماده ۳۹) انتخاب‌کنندگان پس از دادن ورقه رأی و پس گرفتن تعرفه باطله در صورت تنگی جای و اختلال نظم و ترتیب انتخاب به امر رئیس از مجلس انتخاب خارج خواهند

شد.

ماده ۴۰) در محلهایی که انتخاب در يك روز تمام نمی‌شود در ختام مجلس آن روز تمام اعضاء با احتیاطات لازمه درب جعبه را مهر کرده روز بعد همان اعضاء آن را باز می‌کنند.

ماده ۴۱) بعد از اعلان انجام انتخاب رئیس انجمن جعبه انتخاب را در حضور اعضاء و حاضرین انتخاب‌کنندگان خالی نموده امر به استخراج آراء می‌نماید.

ماده ۴۲) یکی از اعضاء اوراق انتخاب را شمرده عدّه آن را با عدّه رأی‌دهندگان که تعرفه آنها در کتابچه ثبت تعرفه نشان شده است تطبیق می‌کنند در صورت زیادی اوراق رأی به عدّه اوراق زایده از کلیه برداشته شده باطل می‌شود و نتیجه در صورت مجلس نوشته می‌شود.

ماده ۴۳) اوراق انتخاب را یکی از اعضاء به صوت بلند يك يك خوانده به يك نفر دیگر از اعضاء می‌دهد و سه نفر دیگر از اعضاء اسامی را به ترتیبی که خوانده می‌شود در ورقه بزرگی می‌نویسند.

ماده ۴۴) هرگاه در اوراق انتخاب زیاد یا کمتر از عدّه معینه اسامی نوشته باشند نقصی در امر انتخاب حاصل نخواهد شد. در صورت اول آن عدّه اسامی که زیاد نوشته شده از آخر ورقه خوانده نخواهد شد.

ماده ۴۵) از اوراق رأی آنچه سفید یا لایقرء باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند یا امضای انتخاب‌کننده را داشته باشد یا بیش از يك ورق باشد محسوب نخواهد شد ولی عیناً ضمیمه صورت مجلس می‌شود.

ماده ۴۶) بلافاصله بعد از شماره و استخراج آراء رئیس نتیجه را به صورت بلند اعلان می‌نماید و اوراق انتخاب را معدوم می‌کند. باستثناء آنهایی که در ماده قبل ذکر شده که ضمیمه صورت مجلس می‌شود.

ماده ۴۷) صورت مجلس انتخابات را منشی در سه نسخه تحریر نموده به امضای انجمن نظارت می‌رساند، يك نسخه به حکومت، نسخه دیگر بتوسط حکومت به مجلس شورای ملی و نسخه ثالث با کتابچه ثبت اوراق تعرفه به انجمن ایالتی یا ولایتی مرکز حوزه فرستاده می‌شود.

ماده ۴۸) اشخاصی که ورقه تعرفه ندارند حق دخول به مجلس انتخاب ندارند.

ماده ۴۹) دخول در محوطه انتخاب با داشتن اسلحه اکیداً ممنوع است.

ماده ۵۰) اسامی انتخاب شدگان درجه اول و دوم بعد از اتمام انتخابات از طرف حاکم محل در روزنامه اعلان می‌شود.

ماده ۵۱) انتخاب شدگان در شهرهای جزو باید به امضای انجمن نظارت آن محل اعتبارنامه در دست داشته باشند و به انجمن نظارت مرکزی ارائه بدهند و همچنین نمایندگان که در مرکز حوزه انتخابیه برای عضویت مجلس شورای ملی منتخب می‌شوند باید به امضای انجمن نظارت مرکزی اعتبارنامه در دست داشته تسلیم دفتر مجلس شورای ملی نمایند.

فصل هشتم

در شکایات راجعه به انتخابات

- ماده ۵۲) اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان کسی حین انتخاب شکایت یا ایرادی راجع به انتخابات داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود.
- ماده ۵۳) شکایات و ایرادات راجعه به انتخابات باید در ظرف یک هفته بعد از ختم انتخابات به انجمن نظارت اظهار شود تا انجمن رسیدگی نموده حکم بدهد و نتیجه را ضمیمه صورت مجلس انتخاب نمایند.
- ماده ۵۴) متشکیان از انتخابات اگر از حکم انجمن نظارت راضی نباشند می توانند پس از افتتاح مجلس شورای ملی شکایت خود را در ظرف ماه اول به مجلس شورای ملی اظهار نمایند و حکم مجلس شورای ملی قاطع خواهد بود.
- شکایات راجعه به انتخاباتی که بعد از افتتاح مجلس شورای ملی بعمل می آید باید در ظرف ماه اول بعد از وقوع آن انتخابات به مجلس شورای ملی برسد.
- ماده ۵۵) هرگاه یکی از منتخبین یا نمایندگان بوسیله تطمیع یا تهدید انتخاب شود پس از ثبوت به انجمن نظارت یا مجلس شورای ملی انتخاب آن منتخب یا نماینده علاوه بر مجازاتی که قانون درباره او معین خواهد کرد از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.
- ماده ۵۶) حق اعتراض بر انتخابات را اشخاصی دارند که حق انتخاب کردن داشته باشند.

فصل نهم

در مواد مختلفه

- ماده ۵۷) همینکه نصف بعلاوه یک نفر از نمایندگان ملت که ۶۱ نفر باشد در طهران حاضر شدند مجلس افتتاح می یابد و رأی آنها به اکثریت مناط اعتبار و اجراء است.
- ماده ۵۸) ابتدای دوره انتخابیه دوساله از روزی است که مجلس شورای ملی افتتاح می شود.
- ماده ۵۹) پس از انقضای مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر یک از منتخبین سابق را که بخواهند دوباره انتخاب نمایند.
- ماده ۶۰) مقرری اعضای مجلس شورای ملی موقوف به تشخیص و تصویب مجلس است.
- ماده ۶۱) مخارج مسافرت انتخاب شدگان درجه اول و دوم را ذهاباً و ایاباً حکومت هر محل به اطلاع انجمن نظارت از قرار فرسخی ۵ قران اداء خواهد کرد بعلاوه ۵ تومان مخارج توقف ۵ روزه در مرکز حوزه.
- ماده ۶۲) هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفاء یا فوت نماید و بیش از سه ماه به انقضاء دوره باقی باشد مجلس شورای ملی یک نفر به جای او به اکثریت تام انتخاب خواهد کرد.
- ماده ۶۳) در طهران ده روز بعد از توشیح این نظامنامه به دست خط همایونی و در

ولایات روز بعد از وصول نظامنامه، انجمن نظارت به انتخابات خواهد کرد.
 روز پنجشنبه ۱۲ شهر جمادی الاخر تخاقوی ٹیل ۱۳۲۷- [۱۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ ژوئیہ ۱۹۰۹]
 امضاء اعضا کمیسیون تحریر نظامنامه انتخابات
 فرمانفرما مشیرالدوله مؤتمن الملک مستوفی الممالک صنیع الدوله معین
 الدوله مهندس الممالک مستشار الدوله حاج سید نصرالله اسدالله میرزا
 حسینقلی خان نواب مستشار السلطان مخبر الملک کاشف السلطنه نظم الدوله
 امین دربار.

www.adabestanekave.com

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین	محل انتخاب	عده انتخاب شوندهگان
انتخابیه	حوزه	درجه اول	درجه اول	درجه اول	درجه اول در هر محل
				محلته دولت	
	طهران و توابع	طهران	۱۵	محلته سنگلیج و شهرنو	موافق تعیین
			۴۵	محلته عودلاجان	انجمن نظارت
				محلته بازار و چالمیدان	
				شهر تبریز	۲۶
				ارومیه	۵
				خوی	۴
				دیلمقان	۱
				ماکو	۱
				مراغه	۲
				بناب	۱
				میان دواب	۱
				ساوجبلاغ	۲
	تبریز	تبریز	۱۹	دهخوارقان	۱
			۵۷	مرند	۱
				اهر	۲
				اردبیل	۴
				مشکین	۱
				آستارا	۱
				خالخال	۱
				سراب	۱
				میانیج	۱
				صاین قلعه	۱
شاهسون	به تعیین	۱	به تعیین	به تعیین	به تعیین
آذربایجان	وزارت داخله	وزارت داخله	وزارت داخله	وزارت داخله	وزارت داخله

آذربایجان

حوزه انتخابیه مرکز حوزه نمایندگان عدّه منتخبین محل انتخاب عدّه انتخاب شونده‌گان
درجه اول درجه اول درجه اول درجه اول درجه اول درجه اول

۱۲	شهر مشهد					
۳	قوچان					
۲	بجنورد					
۱	دره جز					
۱	جام و باخزر [= باخرز]					
۳	نیشابور	۳۳	۱۱	مشهد مقدس	۷۰	سیستان و قاینات
۴	سبزوار					
۱	خاف					
۱	ترشیز					
۳	ترت حیدری					
۱	تون					
۱	طیس					
۱	نصرت آباد و سیستان	۳	۱	بیرجند		
۲	بیرجند					
۱۰	شهر شیراز					
۲	کازرون					
۳	بهبهان					
۱	تبریز					
۱	آباده					
۳	لار	۲۴	۸	شیراز	۳۶	
۱	فسا					
۱	جهرم					
۱	گله دار					
۱	دارابگرد					

قشقای به تعیین وزارت داخله به تعیین وزارت داخله

ایلات خمس ایضاً وزارت داخله ایضاً وزارت داخله ایضاً ایضاً

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین	محل انتخاب	عده انتخاب شوندگان
جزایر و بندر	بوشهر	۲	۶	بوشهر	۲
				بندر عباس	۱
				بندر خمیر و جزائر	۱
				بندر لنگه	۱
				بraz جاندشتیدشتستان [بraz جان - دشتستان]	۱
کرمان	کرمان	۵	۱۵	شهر کرمان	۸
				رفسنجان	۲
				سعیدآباد سیرجان	۱
				خبیص	۱
				راور	۱
				زرنند	۱
				اقطاع و افشا	۱
				بم	۲
بلوچستان	بم	۱	۳	بلوچستان	۱
				شهر استرآباد	۳
ترکمان	به تعیین وزارت داخله	۱	به تعیین وزارت داخله	شهر استرآباد	۳
				بم	۲
اصفهان	شهر اصفهان	۳	۹	شهر اصفهان	۵
				قمشه	۱
				نجفآباد	۱
				قمپایه	۱
				اردستان	۱
بختیاری	به تعیین وزارت داخله	۱	به تعیین وزارت داخله	به تعیین وزارت داخله	۱
				به تعیین وزارت داخله	۱

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین	محل انتخاب درجه اول	عده انتخاب شوندهگان درجه اول در هر محل
بروجرد	بروجرد	۲	۶	بروجرد	۶
خمسه و طارم	زنجان	۲	۶	زنجان ابهر طارم	۴ ۱ ۱
ساوه و زرنند	ساوه	۱	۳	ساوه زرنند	۲ ۱
سمنان دامغان	سمنان	۱	۳	سمنان دامغان	۲ ۱
شاهرود و بسطام	شاهرود	۱	۳	شاهرود بسطام	۲ ۱
عراق	سلطان آباد	۲	۶	سلطان آباد آشتیان تفرش	۴ ۱ ۱
عربستان	شوشتر	۳	۹	شوشتر دزفول محمره و عشایر بندر ناصری	۲ ۳ ۳ ۱
فیروزکوه و دماوند	دماوند	۱	۳	فیروزکوه دماوند	۱ ۲
قزوین	قزوین	۲	۶	قزوین طارم سفلی خرقان طالقان	۳ ۱ ۱ ۱
قم	قم	۱	۳	شهر قم	۳

حوزه انتخابیه مرکز حوزه نمایندگان عدّه منتخبین محل انتخاب عدّه انتخاب شوندگان
 درجه اول در هر محل درجه اول

www.adabestanekave.com

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عدّه منتخبین	محل انتخاب	عدّه انتخاب شوندگان
کاشان، نطنز، جوشقان	کاشان	۲	کاشان جوشقان نطنز	۴
کردستان	سندج	۳	سندج سقز و بانه اوراهان مریوان	۴
کرمانشاهان	کرمانشاه	۳	کرمانشاه سنقر کنگاور	۶
گروس	بیجار	۱	بیجار	۲
گیلان و طوالش	گیلایگان	۲	گیلایگان خوانسار کمره [البلوک] محلات و سایر	۲
گیلان و طوالش	رشت	۵	رشت انزلی لاهیجان رودبار و دیلمان لنگرود فومن گرگانرود طالش بولاب	۸

حوزه انتخابیه	مرکز حوزه	عده نمایندگان	عده منتخبین	محل انتخاب	درجه اول	درجه اول در هر محل	عده انتخاب شوندگان
لرستان	خرم آباد	۲	۶	خرم آباد و پشت کوه		۶	
کازندران و تنکابن و سوادکوه	ساری	۴	۱۲	ساری		۲	
				بارفروش		۳	
				آمل و تنکابن		۳	
				سوادکوه		۱	
				اشرف		۱	
				مشهدسر		۱	
				بلده نور		۱	
همدان	دولت آباد	۲	۶	دولت آباد		۳	
				نهایوند		۲	
				تویسرکان		۱	
همدان	همدان	۲	۶	همدان		۵	
				اسدآباد		۱	
یزد و توابع	یزد	۳	۹	یزد		۴	
				نائین		۲	
				شهر بابک		۱	
				اردکان		۱	
				عقدا		۱	
متنوعه ملک	ارامنه	۱					
	کلدانی	۱					
	زردشتی	۱					
	کلیمی	۱					

جناب سعدالدوله رئیس الوزراء نظامنامه انتخابات مبعوثین که بر حسب اراده علیه ما در کمسیون مخصوص ترتیب داده شده و مشتمل بر ۶۳ ماده می باشد صحیح است فوراً بدهید به طبع رسانده و منتشر نمایید. وزیر داخله نیز بلافاصله در صدد تهیه لوازم انتخابات در طهران و ولایات باشد.

محمدعلی شاه قاجار

۱۲ جمادی الاخر ۱۳۲۷

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۹۹

مراسلهٔ سربارکلی به سر ادواردگری مورخهٔ ۲۲ ژوئیهٔ ۱۹۰۹ [۳۱ تیر ۱۲۸۸؛ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک
آقا

در اتمام مراسلهٔ ۱۲ این ماه خود افتخار دارم از راپورت اینکه قشون ملتیان در ساعت ۶ صبح ۱۳ ماه [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ج ۲ - ۱۳۲۷] وارد طهران شدند. یادداشت‌ملفوف مستر چرچیل وقایع و اتفاقات ورود و جنگ بعد از ورود قشون ملی را متضمن است.

بعد از اینکه بتوسط تلفون این واقعه به من اطلاع داده شد من ماژور استوکس و مسیو چرچیل را به شهر فرستادم. مأموریت اولی آن بود که نظارت در ورود متحصنین نماید و مأموریت شخص ثانی آنکه از اتفاقات اطلاع حاصل نموده راپورت آنها را برای من بفرستد. به هر دو نفر گفته شد اگر ممکن بشود نزد سپهدار و سردار اسعد رفته و لزوم نگاهداری نظم را به آنها خاطر نشان نمایند.

چیزی که بتوسط تلفون پیش از قطع سیم آن به من رسید اطلاع می‌داد که ملتیان شهر را تصرف نموده و نظم بخوبی برقرار است. بعد معلوم شد که این مطلب صحیح نبوده فقط قسمتی از شهر در تصرف آنها است و در نقاط دیگر شهر جنگ در کوجه‌ها شدت دارد.

چندی بعد مسیو چرچیل و مسیو اورنو را که مسیو سابلین به شهر فرستاده بود راپورت دادند که سپهدار و سردار اسعد اطمینان کاملی از بابت امنیت متعلقات اتباع خارجه که در تصرف ملتیان است به آنها داده‌اند. در تمام مدت جنگ البته خطر خوردن تیرهست ولی آنقدری که من اطلاع دارم فقط یک نفر خارجه آنهم اطریشی تیر خورده و زخم او هم خیلی جزئی بوده است.

ملتیان ابدأ غارت نمی‌کردند ولی سوارهای غیرمنظم شاه یک خانهٔ انگلیسی را بکلی غارت کردند و فقط همین سوارها بودند که مرتکب چپاول می‌شدند.

به این ترتیب اطمینانی که از طرف رؤسای ملتیان به نمایندگان سفارتین داده شده بود بموقع ثبوت رسید. بعد از اینکه جنگ در شهر شروع شد راپورت به من رسید که شاه خیال توپ بستن طهران را دارد. مسیو سابلین و من متفق شدیم که متحداً در این خصوص به شاه پروتست نماییم. من سوادی از مضمون آن پروتست نوشتم و بعد باتفاق پاکنویس نمودیم. در این ضمن اطمینان خصوصی از طرف شاه به همکار روس من داده شد که شهر را به توپ نخواهد بست. لیکن در صبح زود فردای آن روز ما صدای توپ را از طرف قصر قجر شنیدیم و معلوم شد که شاه نقض قول کرده است.

چند ساعت بعد اعلیحضرت شاه پیغام به ما فرستاد که خیال داشته است قبل از توپ

بستن به شهر ۲۴ ساعت به اتباع خارجه وقت بدهد برای اینکه از شهر خارج بشوند ولی چون رولوسیونرها به عمارت او حمله آوردند لهذا مجبور شد که فوراً شروع به بمباردها نماید.

من و همکار روس من فوراً به سلطنت آباد رفته و استدعا از شاه نمودیم که دست نگاه داشته و اعلان متارکه بدهد تا اینکه شروع به مذاکرات شود. در جواب شاه شروع به شکایت نمود از اینکه ما مکرر دست او را بسته و نگذاشتیم که به رولوسیونرها حمله بیاورد. آنها حالا به طهران وارد شدند و حمله به عمارت او می آورند و گفت آیا شما در این موقع هم می گوئید که من آنچه از دستم برمی آید نکنم؟ و بالاخره شاه اظهار نمود که او فقط در صورتی اعلان متارکه خواهد داد که رولوسیونرها ترك اسلحه نمایند. جز برای خلاصی تبریز ما در موقع دیگر ممانعت از شاه ننمودیم که اقدامی برای دفع رولوسیونرها بنماید ولی من مباحثه در این مطلب را لازم نمی دانستم و فقط به شاه خاطر نشان نمودم که کار سفارتین از وقتی که او مشروطه را برقرار ساخته جز صلح دادن طرفین نبوده است. بدبختانه رولوسیونرها نصیحت ما را قبول ننموده اند. حالا باید که رفع غائله بشود و به عقیده ما فقط امیدواری همان اعلان متارکه از طرف آن اعلیحضرت است. شاه گفت این ممکن نیست چون او نمی تواند با قشون خود که اتصالاً دچار حملات هستند مذاکره نماید.

در اینصورت ناچار باید اول رولوسیونرها ترك سلاح نمایند. ما جواب دادیم بی فایده است انتظار اینکه فاتح راضی به این اقدام شود ولی اگر آن اعلیحضرت اعلان متارکه برای مذاکرات بدهد ما گمان می کنیم که بتوانیم این پیغام را هم به قشون دولتی و هم به رولوسیونرها برسانیم. شاه ابدأ قبول این مطلب ننموده و دومرتبه اظهار داشت که رولوسیونرها باید اول تسلیم بشوند.

در موقع خارج شدن از سلطنت آباد ما سعدالدوله را ملاقات نمودیم و بعد از اینکه او از حاصل نشدن نتیجه از این ملاقات اطلاع یافت از ما خواهش نمود که نتیجه این ملاقات را به سپهدار و سردار اسعد اطلاع ندهیم تا اینکه او اعلیحضرت شاه را ملاقات نماید.

مستر چرچیل و مسیو بارنوسکی که از صبح زود آن روز بنا به خواهش شاه بطرف شهر رفته بودند تا شاید بتوانند ملتیان را وادار به مذاکره نمایند مجبور شدند بواسطه جنگ سختی که در این موقع در کار بود مراجعت کنند.

نتیجه ملاقات سعدالدوله با شاه این شد که تشکیل یک هیئتی برای مذاکره با ملتیان داده شود ولی اشکال اول این بود که بعضی از اعضاء قبول این مأموریت رانمی نمودند. بعد از اینکه بالاخره این هیئت تشکیل یافت بدو نتوانستند که داخل شهر شوند. دو روز بعد وقتی آنها نتوانستند داخل شهر بشوند که شاه به سفارت روس متحصن گردیده و کولونل لیاخف تسلیم شده بود.

چند ساعت بعد از ملاقات ما با شاه اخبار شیوع پیدا نمود که کولونل لیاخف که مشغول دفاع قزاقخانه بود نمی تواند بیش از این دفاع از آنجا نماید. همکار روس من امیدوار

بود که قبل از اینکه کولونل لیاخف تسلیم بشود شاه متحصن گردد که در آن صورت مأموریت کولونل لیاخف به این عمل تمام شده و پیش از آنکه او مجبور تسلیم واقعی گردد بتواند با رؤسای ملتیان قراری در کار خود بدهد. و در واقع وقتی که من مسیو سابلین را در عصر ملاقات نمودم گمان می‌کرد که شاه در همین شب متحصن خواهد شد. مشارالیه به من گفت که او مسیو اورنو را برای گفتگوی در تسلیم کولونل لیاخف نزد سرداران فرستاده است. مسیو اورنو به بهارستان که مرکز ملتیان بود رفت و خواهش از سرداران نمود که از حمله به قزاقخانه دست نگاه دارند و از آنها سؤال نمود که در صورتی که قزاق و صاحب‌منصبان آنها ترك اسلحه نمایند در حق آنها چه رفتار خواهد شد. آیا اجازه داده خواهد شد که باز هم در خدمت دولت آینده ایران باشند؟ و آیا رؤسای ملتیان می‌توانند تا آن اندازه که ممکن است ضمانت امنیت آنها را بنمایند؟ به این سؤالات سرداران جواب دادند که ملتیان همیشه مشغول دفاع از خود بودند و بعد از اینکه صاحب‌منصبان و تائبین بریگاد قزاق اسلحه خود را تسلیم بنمایند دیگر برای ملتیان لازم نخواهد بود که دفاع از خود نمایند. قزاقها آزاد خواهند بود یا به منزلهای خود بروند و یا اینکه در قزاقخانه بمانند و بعلاوه سرداران اظهار نمودند که دولت مشروطه قشون منظم را لازم خواهد داشت و باین جهت قزاقها را نگاه خواهند داشت و مثل سابقه واجب به آنها داده خواهد شد و بعد از اینکه اسلحه خود را تسلیم نمودند تا آنقدری که ممکن است امنیت آنها حمایت می‌شود. مسیو اورنو با این جواب به زرگنده مراجعت نمود ولی بواسطه بمباردمان از قصر قجر نتوانست روز بعد که ۱۵ بود برای اتمام مذاکرات به طهران برود و جنگ در قسمتی از نقاط شهر مداومت داشت.

مسیو سابلین از این ترتیبی که ملتیان نسبت به بریگاد قزاق اظهار داشته بودند راضی نشده ما قرار دادیم مستر چرچیل و بارنوسکی در صبح زود فردای آن روز که ۱۶ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] باشد خود را هرطور است به بهارستان رسانیده و سعی نمایند که قول کتبی صحیحی تحصیل نمایند.

مقارن با حرکت آنها شاه با خانواده خود و عده‌ای از اتباع او که نایب‌السلطنه، امیر بهادر جنگ، مفاخر الملك، مجلل‌السلطنه داخل آنها بودند به سفارت روس متحصن شدند. ما فوراً سپهدار و سردار اسعد را از این مطلب بتوسط تلگراف مطلع ساخته و سعی نمودیم که این فقره هر قدر بیشتر ممکن است انتشار یابد. در این موقع مأموریت کولونل لیاخف دیگر تمام شد و می‌توانست با افتخار تسلیم شود.

مسیو چرچیل و بارنوسکی موفق شدند که خود را به بهارستان رسانیده و از رؤسای ملتیان يك سند کتبی تحصیل نمایند که صاحب‌منصبان روسی و بریگاد قزاق عجالاً مثل سابق در تحت فرمان وزیر جنگ مشغول خدمت به دولت جدید باشند.

مستر چرچیل و بارنوسکی کولونل لیاخف را از این نوشته مطلع ساخته و از او تقاضا نمودند که به بانك شاهنشاهی رفته يك نفر از رؤسای بختیاری به آن نقطه فرستاده خواهد شد که او را همراهی تا بهارستان نماید. بانك برای این کار نقطه مناسبی بود به جهت آنکه مابین محل دو دسته مخالف واقع شده بود.

کولونل لیاخف با مستحفظین قزاق به بانک رفت و بعد از اینکه یوسف خان، برادر سردار اسعد هم به آن نقطه وارد گردید کولونل لیاخف با او در یک کالسکه نشسته بهمراهی بختیاری و فداییها و دو ترجمان سفارتین به بهارستان رفته خود و بریگاد قزاق را به خدمت دولت جدید واگذار نمود.

این مطلب قابل ذکر است که در تمام طول راه تا بهارستان مردم فریاد تمجید به او می نمودند. تا مدتی در بعضی نقاط شهر تیر انداخته می شد ولی تا شب شهر کاملاً خاموش گردید.

مجلسی از رؤسای ملتیان که اسم آن را مجلس عالی فوق العاده گذارده بودند عصر در بهارستان تشکیل یافت. این مجلس مصمم اعلان خلع محمد علی و تعیین ولیعهد سلطان احمد شاه به جانشینی او و نیابت سلطنت عضدالملک بطور موقتی گردید. همین مجلس سپهدار را به وزارت جنگ و سردار اسعد را به وزارت داخله منصوب نمود و بعلاوه یک کمیته ۲۵ نفری از ملتیان مهم [مهم؟] برای راهنمایی وزراء انتخاب شدند.

اعلان تغییر سلطنت فوراً منتشر نگردید به جهت اینکه کمیته مایل بود که بدو محمد علی را بتوسط یک هیئتی از این تغییر مطلع سازد. خیال کمیته در فرستادن این هیئت برای فردای آن روز بود و در صبح فردای آن روز سپهدار و سردار اسعد تلگرافی به سفارتین فرستاده و از خیال کمیته اطلاع دادند و از ما خواهش کردند که اطلاع از محمد علی میرزا حاصل نماییم که چه وقت هیئت مذکوره را خواهد پذیرفت. همکار روس من این پیغام را به شاه سابق اظهار نمود شاه جواب داد که رفتن من از سلطنت آباد استعفاء است و به این جهت برای من لازم است که پذیرایی از هیئت نمایم. ما این جواب را به رؤسای ملتیان تلگراف نمودیم.

هر چند که در تلگراف سرداران اسم جانشین شاه برده نشده بود ولی محمد علی اطلاع داشت که ولیعهد انتخاب شده است.

یک صورت خیلی رقت انگیزی ظاهر شد وقتی که اعلیحضرت به همکار روس من اظهار نمود که نخواهد گذاشت پسر محبوب او از پدر و مادر خود جدا شود و تا یک مدتی واقعاً همچو به نظر می آمد که او در این خصوص ایستادگی خواهد کرد.

مادر ولیعهد که گاه گاهی بنزدیک در پیدا می شد از غصه بکلی از خود رفته بود. بالاخره شاه از مسیو سابلین تقاضا نمود که یکی از این دو قسم را با رؤسای ملتیان قرار بگذارد. (۱) اینکه اگر ولیعهد را به تخت خواهند نشانید اجازه به او داده شود چند وقتی با مادر خود مسافرت نماید.

(۲) اینکه اگر ممکن می شود پسر دوم را به شاهی انتخاب نمایند.

مسیو سابلین از نزد آن اعلیحضرت خارج شد و بطوری به شاه معلوم نمود که او سعی خواهد کرد رضایت کمیته را به یکی از دو شق تحصیل نماید. ولی بعد از آنکه ما این مطلب را با هم مذاکره کردیم تصور نمودیم که این اقدام اسباب خطر برای سلسله قاجاریه خواهد بود و دلیل بیم ما آن بود که بواسطه تردید محمد علی میرزا در اینکه پسر بزرگ خود را اجازه قبول پادشاهی دهد ممکن است ملتیان موقعی بدست آورده دیگری را برای

این مقام پیدا کنند.

ما حس نمودیم که مسافرت ولیعهد را ابداً قبول نخواهند کرد به جهت اینکه ما اطلاع داشتیم که ملتیان سعی هستند این طفل را از نزد اشخاصی که فعلاً در اطراف او می‌باشند خارج کنند و ترتیب ثانی را چنانچه ملتیان هم قبول نمایند ممکن است خود ولیعهد بعدها از اقدام پدر خود متأسف شده و در آنصورت شاید در چندین سال دیگر به ادعای تاج و تخت خود برخیزد.

باین جهت ما مصمم شدیم که این پیشنهادهای محمد علی را مطرح مذاکره قرار ندهیم و زود معلوم گردید که ما خوب شد این اقدام را نکردیم به جهت اینکه شاه چندی نگذشت که به مسیو سابلین اطلاع داد که بهیچوجه در این خصوص اقدامی ننماید که احتمال خطر برای سلسله قاجاریه خواهد بود.

اعلان تغییر سلطنت در عصر آن روز انتشار یافت و اطلاع رسمی در روز بعد که ۱۸ ماه ژویه [۲۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] باشد به سفارتین داده شد. سوادى از هر دو اعلان لفاً فرستاده شد، ملاحظه خواهید نمود که در مراسله سفارت نوشته شده است که محمد علی خلع گردید در صورتی که در اعلان اظهار شده است که محمد علی به میل خود استعفاء کرد.

در همان روز که ۱۸ ماه باشد شاه کوچک از سفارت روس خارج شد و با همراهی مستحفظین سفارتین به سلطنت آباد حرکت نمود و در آنجا پذیرائی از هیئت مجلس عالی نموده و به او رسماً اعلان شد که به مقام شاهی رسیده است. وقایع این مجلس رسمی را که به قلم ماژور استوکس نگاشته شده در صورتی که شخصاً حضور داشته است لفاً ارسال می‌دارم.

سه روز بعد که ۲۱ ماه باشد همکار روس من و من رسماً به وزارت خارجه اطلاع دادیم که دولتین سلطان احمد را به شاهی ایران خواهند شناخت.

پیش از اتمام این مراسله من مایلم که اظهار رضایت خود را از خدماتی که ماژور استوکس و مستر چرچیل و ماژور اوکونر (قنصل اعلیحضرتی مقیم سیستان که در این موقع در طهران بود و خود را برای خدمات حاضر نمود) در این اغتشاش اخیر کرده‌اند بنمایم. هر سه این اشخاص کارهای خیلی مفید در شهر نمودند در صورتی که خطر زیادی محتمل بود. همچنین من مایلم که ذکرى از خدمات دکتر اسکات (اجزاء کمپانی هند و اروپا) بنمایم. بواسطه واقع شدن خانه او در محلی که متصل تیر به آنجا انداخته می‌شد، به سفارت آمده و در آنجا خدمت خوبی به زخم خوردگان که به سفارت آورده بودند نمود. من اجازه به دکتر نلیکان ندادم که به کمک دکتر اسکات برود زیرا که دخول به سفارت خیلی خطرناک بود و من مایل نبودم که کسی بی‌فایده مورد خطر واقع گردد. بهمین جهت دکتر اسکات بتهایی کار می‌نمود. بالاخره من مایلم که تذکری از عقل و آرامی اتباع انگلیس بنمایم در صورتی که چندین خانه اتباع انگلیس در معرکه جنگ واقع شده بود و خسارت فوق‌العاده به آنها وارد آمد مع ذلك در این مدت سه روز جنگ يك خبر موجب نگرانی از اتباع

انگلیس به من راپورت داده نشد.

امضاء بارکلی

www.adabestanekave.com

ضمیمه ۱ در نمره ۱۹۹

یادداشت مستر چرچیل مورخه ۱۶ ماه ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] در ۹ ماه ژوئیه [۱۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۲۷] سپهدار با ۱۰،۰۰۰ نفر تمام از کرج بطرف جنوب شرقی که رباط کریم باشد حرکت نمود. در آن نقطه سردار اسعد را که با ۱،۲۰۰ نفر بختیاری اردو زده بود ملاقات کرد. امیر مفخم که یکی از رؤسای بختیاریهای طرفدار شاه بود با ۲۰۰ نفر در همان موقع برای مصاف سپهدار پیش آمد. صبح زود روز بعد قشون مختلط سپهدار که مرکب از قفقازی و ایرانی بود (من اینها را بواسطه نبودن اسم بهتری فدایی می نامم) با بختیاریهای امیر مفخم مصاف شده بودند و گمان کردند که ایشان بختیاریهای سردار اسعد هستند. این بختیاریهای دولتی که بیرق قرمز ملتیان را همراه داشتند سعی نمودند که فداییها را گول زده و آنها را مجبور به خلع سلاح نمایند ولی این خدعه آنها فوراً معلوم گردید. جنگ سختی در گرفت و دولتیان عقب نشستند. در عصر همان روز سردار اسعد به آن نقطه وارد گردید. فداییان گمان کردند که آنها همان بختیاریهای دولتی هستند و شروع به تیر انداختن بطرف آنها نمودند ۵ نفر از آنها را مقتول و عده زیادی را هم مجروح کردند. اشتباه زود معلوم گردید و دو قشون ملی در بادامک ملاقات نموده و در روز ۱۱ و ۱۲ [۲۰ و ۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۲ و ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] ایشان با حملات پی در پی قشون دولتی را که مرکب بود از ۴۰۰ نفر قزاق در تحت فرمان کاپیتن زیپولسکی با عدهای از سوارهای غیرمنظم شاه و بختیاریهای دولتین و چندین عراده توپ پس نشانند و با وجود شلیک توپ سختی که از طرف دولتیها به ایشان می شد نقاط خود را بخوبی نگاه داشتند. در شب ۱۲ ماه ژوئیه [۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] تمام قشون ملی را مابین قزاقها و سوارهای شاه که در شاه آباد و احمد آباد و یافت آباد گذاشته شده بودند گذاشتند و توانستند که بی خبر قشون دولتی عبور نمایند و در ساعت ۶ صبح ۱۳ ماه ژوئیه [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲ - ۱۳۲۷] تمام قشون ملی از دروازه یوسف آباد که در شمال شهر واقع است وارد طهران شدند.

آنها به ردیف سه نفری از سفارت انگلیس گذشتند و بعد به سه دسته قسمت شده و بطرف بهارستان رفته بدون هیچ مصادمه به آنجا رسیدند. از سربازانی که در قراولخانهها بودند بی اشکال خلع سلاح نمودند اگرچه در قراولخانه روبروی سفارت انگلیس سه نفر کشته شدند.

سربازانی که قراول میدان توپخانه بودند تیر بطرف دسته فداییان که از سفارت انگلیس بطرف میدان می رفتند انداختند و دروازه های میدان را هم فوراً بستند. بختیاریها سه دروازه شمالی و سه دروازه غربی شهر را تصرف نمودند ولی سه دروازه شرقی شهر در دست قزاقها ماند.

در صبح همان روز کاپیتن زیپولسکی با ۴۰۰ نفر قزاق از یکی از دروازه‌ها داخل شهر شد و خود را به کولونل لیاخف که در تمام این مدت در قزاقخانه با ۴۰۰ نفر قزاق بود ملحق ساخت. مابقی قزاقها که ۳۰۰ نفر بودند در تحت ریاست کاپیتن پریبینوزف در سلطنت آباد پیش شاه بودند.

بعلاوه قزاقها ۲،۰۰۰ نفر قشون دیگر که در تحت ریاست امیر بهادر بود ابداً داخل جنگ نشده و نزد شاه بودند.

در تمام مدت این سه روز جنگ ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ [۲۲ و ۲۳ و ۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] قزاقها در قزاقخانه مشغول دفاع بودند و ۳۰۰ نفر قشون غیرمنظم شاه میدان توپخانه را در دست داشتند و قشون عمده سپهدار و سردار اسعد مابقی شهر را متصرف بودند و مرکز آنها در بهارستان بود. در صورتی که یک دسته فداییان از جان گذشته متدرجاً هرچه ممکن بود نزدیک قزاقخانه آمده و هوزر خود را با اثر زیاد بکار می‌بردند و در شب هم بمب می‌انداختند.

در ۱۴ ماه شاه اظهار نمود که خیال دارد با تمام قوای خود حمله به شهر بیاورد و اگر موفقیت حاصل نکرد متحصن به سفارت روس خواهد گردید. این حمله مبدل به شکست شد به این شکل که کاپیتن پریبینوزف از تپه‌های قصر قجر محله بهارستان را بتوپ بست و با کمک توپ عده‌ای از سوارهای غیرمنظم شاه یورش به دروازه دوشان تپه آوردند ولی بختیاربها طوری مدخل دروازه را حفظ کردند که سوارهای شاه با کمال بی‌نظمی فرار نمودند در صورتی که بمباردهان هم ابداً اثری نبخشید. در همان مواقع کولونل لیاخف سعی نمود که بهارستان را به توپ ببندد ولی درجه‌بندی توپچیان بایستی خیلی ناصحیح بوده باشد که چندین گلوله در بالای بانک شاهنشاهی ترکید و یک گلوله اطاقی را که من در آن بودم سوراخ کرده داخل شد بدون آنکه خرابی زیادی وارد آورد.

من شب را در بانک شاهنشاهی بسر بردم و از روی تجربه دانستم که بمب‌انداختن فداییها در شب هنگامی که آنها بنزدیک نقاط دولتیان رفته و بمب می‌انداختند چگونه طرف مقابل را مرعوب و ضایع می‌ساخت.

جنگ سختی در نزدیکی خانه مستر باکر واقع شد (که خسارت فوق‌العاده بواسطه گلوله‌های توپ به آنجا رسید) در این حمله فداییها خانه‌ها را تصرف کرده بودند و به نزدیکی قزاقخانه حمله می‌آوردند.

برای کسی که در طهران بود و اوضاع را مشاهده می‌نمود خوب واضح می‌گردید که برای قشون شاه اگرچه ممکن بود بواسطه زد و خورد مختصر جنگ را طولانی نمایند ولی غیرممکن بود که ملتیان را از نقاط خود خارج سازند در صورتی که عده کثیری از طرفداران شهری هم به ملتیان ملحق شده بودند ولی صاحب‌منصبان ایرانی باز هم به شاه اطمینان می‌دادند که فتح با او خواهد بود و بهمین جهت روز بعد که ۱۵ باشد سوارهای شاه مجدداً سعی نمودند که هجوم به دروازه‌ها بیاورند اما قزاقها فقط مشغول دفاع بودند. هر حمله‌ای دولتیان می‌نمودند فداییان آنان را با خسارت فوق‌العاده پس می‌نشانند.

در همان روز عده‌ای از بختیاربهای دولتی خواستند خود را به یک خانه‌ای که نزدیک

سفارت انگلیس بود برسانند. جنگ سختی مابین آنها و فداییها در گرفت. رئیس غلامهای سفارتی که در دم درب معمولی سفارت ایستاده بود تیری به رانش خورد ولی خوشبختانه زخم خطرناک نیست و رو به بهبودی است.

تقریباً ۱۵۰ نفر از ارامنه که در این محله سکنا دارند چون خود را در معرض خطر دیدند به سفارت متحصن شدند.

ماژور استوکس و ماژور اوکونر (قنصل اعلیحضرتی هقیم سیستان که از راه طهران می‌خواست به ماهوریت خود برود) ماهور نظم در سفارت شده بودند. دکتر اسکات و مستر باکالی با عیال و اطفال خود به سفارت آمده بودند چون خانه‌های ایشان در محل دعوا واقع شده بود و برای آنها تا یک اندازه احتمال خطر می‌رفت.

مقتولین و مجروحین این نقطه شهر زیاد بودند و مجروحین را متصل به سفارت می‌آوردند و دکتر اسکات مریضخانه موقتی در سفارت ترتیب داده بود. من در ۱۵ ماه به آنجا رفته و در آنوقت ۱۰ نفر تحت معالجه بودند ولی روز بعد عده ایشان به ۱۵ نفر رسید و بعضی از آنها هم در این بین مردند. زخم بعضی از آنها خیلی سخت بود و من می‌توانم بگویم آن طرز شایسته‌ای که دکتر اسکات به این مجروحین رسیدگی می‌کرد و بتهایی هر قدر برای او ممکن بود درد و الم آن بیچارگان را تخفیف می‌داد زیاده از حد قابل تمجید است.

در ۱۵ ماه چند گلوله توپ بیرون باغ سفارت ترکید و یکی از آنها در خود باغ افتاد ولی نترکید. خسارت به عمارت سفارتی وارد نیامده است. در ۱۶ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] شاه به سفارت روس متحصن شد و جنگ خاتمه پذیرفت.

من مایلم این مطلب را اظهار دارم که در تمام مدت این سه روز جنگ عموم اتباع انگلیس در طهران آرامی فوق‌العاده‌ای از خود بروز دادند. اجزاعبانک شاهنشاهی و اداره تلگرافخانه هند و اروپا و همچنین کمپانی هند و اروپا تمام در شهر بودند و اغلب آنها مثل همیشه به اداره خود می‌رفتند. با وجودی که در آن محلات جنگ بود ولی من از هیچکدام آنها یک کلمه شکایت نشنیدم.

خبرنگاران جراید مستر فریزر مخبر «تایمز» و ملونی مخبر «رویتر» در تمام این مدت در شهر بودند حتی در سنگرها هم رفته و جنگ را تماشا می‌کردند. من می‌توانم این عقیده ثابت خود را اظهار دارم که در هیچ وقت هیچ خارجه‌ای در موقع خطر واقع نگردیده است بغیر از امکان خوردن تیر هوایی که آنهم با احتیاط معموله خوف مخاطره نبود.

فداییها و بختیاریها احترام فوق‌العاده از خارجه می‌نمایند. وقتی که من از بانک به سفارت می‌رفتم یک طرف راه را دولتیان و یک طرف آن را ملتیان در دست داشتند و ابدأ احتمال خطر برای من نمی‌رفت. در سه موقع که من به بهارستان رفتم خیلی سلوک محترمانه از طرف ملتیان مشاهده نمودم. جمعیتی که در درب مجلس جمع شده بودند همیشه «هورا» برای غلام و سوارهای سفارت می‌کشیدند.

ضمیمه ۲ در نمره ۱۹۹

اعلام‌نامه

چون اوضاع مملکت ایران نشان می‌دهد که استقرار نظم و امنیت مملکت و برقراری حقوق و اطمینان قلوب ملت بدون تغییر سلطنت ممکن نبود و چون شاه سابق از تنفر ملت نسبت به خود کاملاً آگاه بود به این جهت در سفارت روس در تحت حمایت انگلیس و روس متحصن گردیده و به میل خود از تاج و تخت ایران استعفاء نموده است.

لذا در نبودن سنا و مجلس شورای ملی نظر به لزوم موقع مجلس فوق‌العاده عالی در جمعه ۲۷ جمادی‌الآخره ۱۳۲۷ (۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹) [۲۵ تیر ۱۲۸۸] در عمارت بهارستان طهران تشکیل یافت. اعلیحضرت همایونی (سلطان احمد میرزا) ولیعهد ایران به شاهنشاهی ایران انتخاب گردیده است.

عجالتاً نیابت سلطنت به جناب عضدالملک واگذار شده تا اینکه بعد از افتتاح پارلمان به موجب ماده ۳۸ قانون مشروطه راجع به نیابت سلطنت و برحسب مقتضیات وقت ترتیب قطعی داده شود.

امضاء سپه‌دار اعظم وزیر جنگ

علیقلی وزیر داخله

www.adabestanekave.com

ضمیمه ۳ در نمره ۱۹۹

اخطار رسمی از طرف دولت ایران

چون اغتشاش ایران و بی‌نظمی ولایات محتاج به تشکیل ادارات دولت بود و در این عقیده تمام ایرانیان متفق بودند و نظر به مقتضیات زمان و اوضاع مملکت و تنفر مردم از محمد علی میرزا ممکن نبود که حقوق و امنیت ملت را بدون تغییر سلطنت تحصیل نمود باین جهت در نبودن سنا و مجلس شورا یک مجلس فوق‌العاده عالی در ۱۶ ماه ژوئیه [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] در بهارستان طهران تشکیل یافت. اعضاء این مجلس که رؤساء مجاهدین و علماء و شاهزادگان و اعیان و اشراف و عده‌ای از وکلاء سابق هستند به اکثریت آراء مصمم خلع محمد علی میرزا شدند و به موجب ماده ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی اعلیحضرت سلطان احمد میرزا را به سلطنت انتخاب و نیابت سلطنت موقتاً به عضدالملک داده شد. بعد از افتتاح پارلمان به موجب ماده ۳۸ قانون اساسی ترتیب قطعی راجع به نیابت سلطنت داده خواهد شد.

لذا به موجب این مراسله رسمی به شما اطلاع از خلع محمد علی میرزا و جلوس سلطان احمد میرزا بسلطنت ایران می‌دهیم.

ضمیمه ۴ در نمره ۱۹۹

یادداشت ماژور استوکس در تفصیل پذیرایی نمودن هیئتی از طرف دولت موقتی از سلطان احمد شاه.

بعد از آنکه محمد علی به سفارت روس متحصن گردید و قبول نمود که پذیرایی نماید از هیئتی که ماهور اعلام جلوس پسر او سلطان احمد به سلطنت ایران بودند در روز ۱۷ ماه ژوئیه [۲۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] سلطان احمد به شاهی ایران اعلان گردید. در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۸ ماه ژوئیه هیئتی از طرف دولت جدید در سلطنت آباد منتظر ورود سلطان احمد شاه شدند. هیئت مذکوره مرکب بود از نایب السلطنه عضدالملک و علماء و اعیان ذیل:

آقای بهبهانی (پسر سید عبدالله مجتهد)
 آقای امامزاده (پسر مرحوم امام جمعه و برادر امام جمعه حالیۀ طهران)
 نظام الملک
 موثق الدوله (سابقاً ناظر مظفرالدین شاه بود)
 علاء الدوله
 علاء الملک.

سلطان احمد شاه با مستحفظین قزاق روس و سوار هندی از سفارت روس در کالسکه حرکت نمود. در کالسکه دوم هو ق الملک ناظر ولیعهد و ظل السلطان پسر عهوی محمد علی و دو نفر شاهزاده قاجار دیگر بودند. سسیو اسمیرنوف که دو سه سال است معلم شاه جدید است در کالسکه خودش همراه موکب سلطنتی بود و محض این آمده بود که به مستحفظین بگوید چه موقع مراجعت نمایند.

در ورود به سلطنت آباد مستحفظین مراجعت کردند. اعلیحضرت شاه در عمارت از کالسکه درآمده و بطرف عمارت پیاده حرکت نمود. تقریباً سی ذرع به عمارت مانده عضدالملک رئیس ایل قاجار شاه را پذیرایی کرد و با یک طرز خوش و مهربانی چند کلمه نطق نموده شاه را به دخول عمارت دعوت نمود.

رفتار شاه جوان خیلی موقرانه بود ولی در اول یک اندازه به نظر عصبانی (نرو) می آمد. این هیئت اعلیحضرت شاه را در عمارت ملاقات کردند و فقط ایرانی در آنجا اجازه دخول داشت و خطابه ذیل را برای او قرائت نمودند:

به اعلیحضرت همایونی سلطان احمد شاه خلدالله ملکه و سلطانه

چون سلطان شما والاحضرت شاهزاده محمد علی میرزا از شغل مهم سلطنت به موجب ماده ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی معاف شده اند مجلس فوق العاده که در ۲۷ جمادی الاخر (۱۶ ژوئیه) [۲۵ تیر] در عمارت بهارستان منعقد گردید سلطنت را به اعلیحضرت همایونی شما تفویض کرده است. اعلان در این خصوص منتشر و نیابت سلطنت هم موقتاً به جناب عضدالملک واگذار شده است تا اینکه بعد از انعقاد مجلس شورای ملی به موجب ماده ۳۸

قانون اساسی ترتیب قطعی در این خصوص داده شود. این ابلاغ را نمایندگان مجلس فوق‌العاده عالی از طرف مجلس مذکور به پایه سریر اعلیحضرت همایونی شما آورده‌اند و ما که اینجا حاضریم از طرف تمام رعایای شما تبریکات صمیمی خود را تقدیم نهوده و از خداوند درخواست می‌نماییم که سلطنت مشروطه اعلیحضرت شما با هر نوع خوشی و آسایش برای ابناء ایران زینت‌بخش گردد و ترقی و سعادت مملکت در زیر سایه عنایت شما به سر حد ازدیاد و تکمیل برسد.

این پذیرایی بسیار ساده بود و اشخاصی که حضور داشتند هیچ‌یک با لباس رسمی نبودند. رویهم‌رفته بیش از ۳۰ نفر حضور نداشتند و چنین به نظر رسید که بغیر از دو نفر علماء اشخاصی که انتخاب شده بودند و حضور بهم‌رسانیدند یا از ایل قاجار یا از درباریان بودند. سرداران ملی و رؤسای ملتیان حضور نداشتند. بعد از این مجلس شاه چند روزی در سلطنت‌آباد اقامت کرده و بعد به طهران عزیمت نمود.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۵ مرداد ۱۳۸۸؛ ۳۰ رجب - ۱۳۲۷] از قلهک.

دو مطلب دیگر راجع به حرکت شاه سابق بعلاوه مطالبی که مربوط به مستمری و جواهرات سلطنتی است بتازگی روی داده است: آن دو مطلب یکی قروض شخصی شاه سابق به بانک روس است، دیگری تقصیرات و دعاوی اتباع او است. مطلب آخری در مجلسی که مابین نماینده دولتین و نمایندگان دولت ایران که در ۱۵ و ۱۶ ماه اوت منعقد گردید بالاخره تسویه شد. مطلب اول را نمایندگان دولت ایران باینطور قبول نمودند که اعلیحضرت شاه تمام املاک خود را به دولت ایران واگذار نماید و در عوض دولت ایران جزئی اضافه بر مستمری او نموده و قروض او را هم به بانک استقراضی قبول نماید.

بدبختانه اشکالی روی داده است که ما مجبور به خواستن دستورالعمل از دولتین خود شده‌ایم و من و همکار روس من با نمایندگان دولت ایران قرار گذاشتیم که حرکت شاه سابق موقتاً به عهده تعویق بماند.

دولت ایران از ما تقاضا نموده است که ما قراردادی بنماییم که هرگاه به دولتین ثابت شود که شاه منفی [= مستغفی؟] مشغول تحریکات در ایران است دولت ایران از اداء مستمری او معاف باشد.

طبیعی است که دولت ایران سعی می‌نماید که جلوگیری از این قبیل احتمالات بشود ولی مسئله امر مشکلی است و من گمان نمی‌کنم که دولت روسیه این پیشنهاد را قبول بنماید زیرا اولاً ممکن است به این ترتیب مستمری شاه سابق قطع گردد و دولت روسیه مجبور به نگاهداری از او بشود. بعلاوه این مطلب ممکن است به عدم خلوص نیت روسیه تعبیر گردد.

نمره - ۲۰۱

مراسله سر ادوارد گری به سر بارکلی مورخه ۱۷ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲۵ مرداد ۱۲۸۸: ۳۰ رجب - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
آقا

سفیر ایران امروز از من ملاقات کرد و از احساساتی که در ایران بواسطه مداومت توقف قشون روس در مملکت و مخصوصاً در قزوین ظهور بهم رسانیده است بیان نمود و شکایت کرد که قشون روس در قزوین مورد سوء ظن واقع شده‌اند از اینکه شاید بطرف طهران حرکت کنند. و این سوء ظن بواسطه اردو زدن آنها در ۸ میلی خارج قزوین بطرف طهران است در صورتی که اگر مقصود حفظ‌الصحه باشد ممکن بود که قشون اردوی خود را در ۸ میلی از قزوین بسمت رشت قرار دهند.

من به سفیر ایران گفتم که این مسائل کاری است که باید بین دولت ایران و دولت روسیه مذاکره شود ولی همینقدر می‌توانم بگویم که وقتی مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] اینجا بود اظهار میل در خارج کردن قشون روس از قزوین می‌نمود و توضیح داد که اشکال اقدام به این کار این است که هیچ‌کس هنوز هم مطمئن از استقرار نظم ثابتی نیست و مشارالیه گمان می‌نمود که خیلی کار بدی خواهد شد بعد از آنکه قشون خارج شدند ثانیاً مجبور به عودت دادن آنها بشویم و نمی‌خواست چنین اتفاقی روی دهد. با وجود آنکه خیلی از اتباع روس در ایران اظهار خوف کرده‌اند و اصرار نمودند که قشون روس به طهران فرستاده شود ولی دولت روس اعتنائی نکرده است و خودداری آن دولت به موقع ثبوت رسیده است. باز هم در ایران بی‌نظمی بسیار است، مثلاً شکایات زیاد از ناامنی راههای جنوب و خساراتی که به تجارت انگلیس وارد می‌شود به من می‌رسد. اگر به همین قسم شکایات از شمال ایران برای روسیه برسد خیلی برای او مشکل خواهد بود که قشون خود را خارج نماید.

من به سفیر ایران گفتم که دولت متبوعه او خوب است اقدامات لازمه را با دولت روس مذاکره نماید هرچند محتمل است که دولت روسیه بعد از این اغتشاشاتی که روی داده است مایل به اقدام در این خصوص نباشد تا آنکه مسیو پاکلاوسکی [پاکلاوسکی] بعد از رسیدن بطهران راپورتی از اوضاع بدهد.

سفیر ایران اهمیت زیاد به انتظام کاملی که در طهران و قزوین برقرار است می‌داد. من گفتم که اگر اوضاع سابقه هم بطور حالیه بود هیچوقت دولت روسیه قشون نمی‌فرستاد ولی چون قشون فرستاده شده‌است و آنها هم در آن نقطه هستند دولت روسیه ملاحظه از خارج کردن آنها دارد تا آنکه مطمئن شود که اوضاع همینطور رو به بهبودی خواهد رفت.
امضاء ادوارد گری

نمره - ۲۰۲

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۱۷ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲۵ مرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
اگر شما ایرادی نمی بینید ایستادگی کنید که گرفتن راهداری فوراً برداشته شود (مراجعه کنید به مراسله ۱۸ ماه گذشته ژنرال قنصل اعلیحضرتی هقیم بوشهر).
من اقدامی نخواهم کرد تا اینکه اطلاعی از مذاکرات شما با ژنرال قنصل حاصل نمایم ولی اتمام این مسئله اهمیت فوق العاده دارد.

نمره - ۲۰۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۸ اوت ۱۹۰۰ [۱۶ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۷] از قلعهك.
محمد علی میرزا قبول نمی کند که املاك خود را به ترتیبی که در تلگراف سابق ذکر شد واگذار نماید. مفاد آن ترتیب مجعلا از اینقرار است:
دولت ایران قروض او را که تقریباً ۱۴۰۰۰۰۰۰ تومان از قرار فرع صد ۱۲ است به عهده خود می گیرد و مستمری او را ۹۰۰۰۰۰ تومان در سال قرار می دهد. اعلیحضرت درعوض املاك خود را که عائدی آن از ۵۰ الی صد هزار تومان تخمین شده است به دولت ایران واگذار می نماید.
از نقطه نظر مالیه این ترتیب خیلی به حال شاه سابق مفید خواهد بود و چیزی که دولت ایران را مجبور به قبول این ترتیب نمود اولاً ترس اینکه شاید شاه سابق بواسطه املاك خود تحریکات در ایران بنماید، ثانیاً احتراز از آنکه املاك به دست خارجه بیفتد. به این ترتیب منافع مشروع شاه سابق محفوظ مانده و در عوض این ضرر مالی منافع سیاسی زیادی به دولت ایران رسیده است. بانک روس هم صرفه برده است برای اینکه دولت ایران ضمانت قرضی را نموده است که رهن آن آنقدری که به نظر می آید کفایت فرع آن را نمی دانه است، و بعلاوه از زحماتی که این نوع ضمانتها حتماً دارا خواهد بود راحت شده اند.

اعلیحضرت باز هم قبول نمی کند در صورتی که ما سعی کرده و به او حالی نمودیم که این ترتیب شخصاً به حال او مفید خواهد بود.
همکار روس من و من امیدواریم که از دولتین متبوعتین خودمان برای ما دستورالعمل برسد که ما اعلیحضرت را مجبور به قبول بنماییم مسیو سابلین هم که کاملاً موافقت با این عقیده ما دارد تلگراف به پترزبورغ نموده و اجازه برای این اقدام خواسته است.
باید به اعلیحضرت یادآوری شود که حمایت متحدانه ای که به ایشان کرده شده است راجع به شخص او بوده و به این جهت ما می توانیم به او بفهمانیم که اگر باز هم این ترتیب را قبول نکند نه فقط از اضافه مستمری محروم خواهد بود بلکه اگر دولت ایران خود را مسؤل قروض او به بانک روس نماید همینطوری که دولت ایران الان هم با بعضی شرایط

مایل است اجازه به دولت ایران داده خواهد شد که املاک او را توقیف نماید بدون اینکه از طرف سفارتین پروتست بشود.

نمره - ۲۰۴

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوپرون مورخه ۱۹ اوت ۱۹۰۰ [۲۷ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
دولت اعلیحضرتی کاملاً شریک عقیده سر بارکلی است که در تلگراف ۱۸ ماه خود درخصوص املاک شاه سابق اشعار داشته بود.
شما خوب است این مطلب را به دولت روسیه اطلاع داده و تقاضا نمایند که به شارژ دافر خودشان اجازه بدهند متحداً مذاکره‌ای را که در جمله آخر تلگراف مذکور بود به اعلیحضرت بنمایند.

نمره - ۲۰۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۲ ماه اوت ۱۹۰۰ [۳۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۵ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.
فرمانفرمای جدید مخبرالسلطنه به تبریز وارد گردید.

نمره - ۲۰۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۳ ماه اوت ۱۹۰۰ [۳۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۶ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

تبریز

کفیل ژنرال قنصلگری اعلیحضرتی به من اطلاع داده است که ۳ دسته قشون روس که هر دسته ۸۰ نفر بودند از تبریز به قرا داغ رفته‌اند. این استعداد که رئیس اتاماژور و صاحب‌منصبان اتاماژور داخل آن هستند برای حمایت از دهاتی که اقوام رحیم‌خان غارت می‌نمایند عازم شده‌اند. احکام اکیده به صاحب‌منصبان صادر شده است که اسباب هیجان اهالی نشوند و مداخله در کارهای اداری ننمایند.

نمره - ۲۰۷

مراسله سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۳ ماه اوت ۱۹۰۰ [۳۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۶ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

آقا

مراسلات ۱۲ و ۱۳ ماه گذشته شما که راپورت حوادث اخیراً ایران بود از زمان قبول شاه پروگرام رفورم دولتین انگلیس و روس را تا خلع او، واصل گردید. من اظهار تشکر زیاد خود را از این راپورتهایی که با دقت کامل خوانده‌ام می‌نمایم و بعلاوه رضایت خود را از اعلی مرتبه لیاقتی که شما در تمام این مدت نشان داده‌اید اظهار می‌دارم. من با امتنان از خدمات شایان آقایان مذکور در مراسله آخری شما اطلاع حاصل نمودم. چون اغلب این اشخاص مستخدم دولت هندوستان هستند من مطلب را به استحضار «ویکنت مورلی بلاک‌برن» رسانیدم. حرکات عاقلانه و اطوار مردانه اتباع انگلیس مقیم طهران در این مدت پرزحمت تأثیر زیادی به دولت اعلیحضرتی نهوده است.

امضاء ادواردگری

نمره - ۲۰۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۴ اوت ۱۹۰۰ [۱ شهریور ۱۲۸۸؛ ۷ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

املاک شاه سابق

شارژ دافر روس به من اطلاع داد که به عقیده ژنرال قنصول روس در تبریز املاک شاه سابق در آذربایجان بیش از ۴۰۰۰۰ تومان در سال عائدی ندارد و تسلیم نمودن شاه املاک خود را به شروطی که پیشنهاد شده است تسهیل در حرکت او خواهد داد به جهت اینکه ما آنوقت می‌توانیم به دولت ایران اصرار نماییم که ترك بعضی دعاوی متفرقه خود را از قبیل جواهرات، نفنگ، اسب، الاغ و زین و غیره که در صورتی که نزد مافرستاده شده درج است بنماید. ترتیب دیگر غیر از این شکل اینست که اجازه به شارژ دافر روس داده بشود که مسئله قرض بانک روس را برای بعد بگذارد تا در آن قراری داده شود.

نمره - ۲۰۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲ شهریور ۱۲۸۸؛ ۸ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

عفو عمومی

(راجع به تلگراف ۱۳ ماه اوت شما)

در جواب یادداشت متحد سفارتین مراسله طولانی و غیرشافی از طرف دولت ایران فرستاده شده است. دولت ایران اظهار می‌دارد که اهمیت عفو عمومی بر آنها واضح است و در موقع اعلان خواهند نمود.

نمره - ۲۱۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ ماه اوت ۱۹۰۰ [۲ شهریور ۱۲۸۸؛ ۸ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

املاک شاه سابق

خواهش می‌کنم به تلگراف من مورخه ۲۴ ماه اوت رجوع نمایید.

تلگراف ذیل از ژنرال قنسول تبریز رسیده است:

عائدی املاک آذربایجان برحسب تسعیر غله تفاوت پیدا می‌کند. من از منبع موثقی اطلاع حاصل نموده‌ام که در موقع نظم و آسایش عائدی املاک تخمیناً ۵۰۰،۰۰۰ تومان است. از این ۵۰۰،۰۰۰ سی‌هزار تومان جنس و مابقی نقد است. ژنرال قنسول روس اینطور تلگراف می‌نماید قیمت گندم بعد از استقرار مشروطیت به نرخ معمولی برگشت نمود و عایدی شاه از این املاک فقط قسمت اربابی است.

نمره - ۲۱۱

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۶ اوت ۱۹۰۰ [۳ شهریور ۱۲۸۸؛ ۹ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

شما خوب است باتفاق مسیو سابلین به دولت ایران اصرار در دادن عفو عمومی بکنید (ملاحظه نمایید تلگراف دیروز خودتان را).

نمره - ۲۱۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ اوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت تلگرافی به من نموده مشعر بر اینکه ظل‌السلطان را خلاص کرده‌اند. مشهور است که شاهزاده ۳۷۰،۰۰۰ تومان به عنوان ضمانت پرداخته است.

نمره - ۲۱۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ اوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

مجلس عالی پسر کوچک محمد علی، محمد حسن میرزا را به ولیعهدی انتخاب نموده‌اند.

نمره - ۲۱۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۷ اوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

اوضاع تبریز

اعضاء کمیته به من اطلاع دادند که ۲۰۰ نفر قزاق ایرانی و تقریباً ۱۰۰ نفر سوار دیگر در هفته آتیه برای حکومت به تبریز حرکت خواهند نمود. آنها به من اطمینان دادند که نتخواه لازمه برای فرستادن این قوه داده خواهد شد.

نمره - ۲۱۵

تلگراف مستر اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۲۷ ماه اوت ۱۹۰۹ [۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

املاک شاه سابق

شارژ دافر روس راپورتی برای دولت روسیه فرستاده است مشعر بر اینکه دولت ایران حالا راضی شده است که در صورت فوت محمدعلی میرزا سالی ۲۰۰۰۰ تومان به خانواده او مستمری بدهد.

کفیل امور وزارت خارجه به مسیو سابلین تلگراف نهوده است که دولت روسیه این ترتیب پیشنهاد شده را در تسلیم املاک به دولت ایران قبول می نماید مشروط بر اینکه دولت ایران مسائل راجعه به مستمری و غیره را کتباً قبول نماید.

مسیو سزانوف به من گفت بمحض اینکه دولت ایران قول لازمه بدهد دستورالعمل به مسیو سابلین خواهد فرستاد که همانطور که سر بارکلی در تلگراف ۱۸ خود پیشنهاد نموده بود به شاه فشار بیاورد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۱۶

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۸ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم که راپورت بدهم امروز صبح در ساعت ۱۱ اعلیحضرت سلطان احمد شاه دفعه اول بود که از سفراء پذیرائی نمود.

نایب السلطنه عضد الملك رئیس محترم ایل قاجار تقریباً ۸۰ سال دارد و با يك طرز موقرانه از طرف شاه جوان ۱۳ ساله مشغول پذیرایی بود. سفیر آلمان از طرف سفرای دیگر در يك نطق مختصری تبریکات همکارانش را به حضور شاه تقدیم نمود و بعد از طرف امپراطور و دولت آلمان دو مرتبه شاه را تبریک گفت. نایب السلطنه از طرف شاه با چندین الفاظ پسندیده از اظهارات دوستانه ادای تشکرات صمیمانه نمود و به مقدم السفراء

(دوداین) اطمینان داد که مقصود بزرگ دولت شاه عبارت از دوام و تقویت روابط دوستانه‌ای است که خوشبختانه مابین دولت ایران و دول خارجه برقرار است. بعد نایب السلطنه شاه را نزد یک به یک از سفراء برده و آنها نیز اجزاء خود را به شاه معرفی نمودند و از طرف پادشاهان خود جواب احوال‌پرسی رسمی را دادند. وقتی که نوبت به من رسید موقع را غنیمت شمرده تبریکات صادقانه اعلیحضرت پادشاه و دولت اعلیحضرتی و نایب‌السلطنه هندوستان را تقدیم حضور شاه نمودم. نایب‌السلطنه در جواب از من خواهش نمود که تشکرات صمیمانه شاه را در عوض به اعلیحضرت پادشاه انگلستان تقدیم نمایم و بعلاوه نایب‌السلطنه اظهار نمود که در ۳۰ سال قبل در یکی از مسافرت‌های ناصرالدین شاه به فرنگ افتخار داشتم که با اعلیحضرت پادشاه انگلیس ملاقات کرده در حضور ملکه «ویکتوریا» معرفی شده‌ام.

بعد در اطاق دیگر دو مرتبه نایب‌السلطنه از سفراء پذیرایی نمود. باید این ملاقات و الاحضرت عضدالملک در این سن زیاد و معتاد نبودن به زندگانی رسمی و عدم معاشرت با خارجه خیلی اسباب زحمت ایشان شده باشد با وجود این با یک طرز دلربایی ممتاز و شایان دقت نظر از سفراء پذیرایی نمود.

غیبت درباریان عمده که دائماً در این قسم مجالس حضور داشتند و اسباب کلی اضمحلال سلطنت ظالمانه محمد علی را فراهم نمودند بی‌اندازه در این موقع آشکار بود. دو نفر رئیس ملت که این تغییرات کلی را به ظهور رسانیدند حضور نداشتند.

نمره - ۲۱۷

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۸ مرداد ۱۳۸۸؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.
آقا

پس از آنکه ملتیان طهران را تصرف نمودند در واقع زمام دولت به دست کمیته ۲۵ نفری افتاده است که برای راهنمایی وزراء ایشان را مجلس عالی انتخاب نموده است. کابینه تشکیل شده ولی هیچ‌یک از وزراء بدون مشورت کمیته نمی‌تواند در امری اقدام نماید. این کمیته روی هم رفته خوب از عهده اداره امور برآمده است. پس از اختتام جنگ فوراً نظم را برقرار نمودند و تا به حال بغیر از حرکات قشون شاه که متفرق شده‌اند و در بعضی از نقاط اسباب اغتشاش را فراهم می‌نمایند کسی در مقام اغتشاش نیست و نظم برقرار است.

وقت انعقاد مجلس هنوز تعیین نشده ولی کمیته لزوم انعقاد فوری مجلس را بخوبی حس کرده و انتخابات بر وفق قانون جدید در جریان است.

در عموم ولایات تغییر دولت از طرف اهالی بخوبی پذیرفته شده است. عجلتاً دولت نظر به تضییق مالیه نمی‌تواند برای رفع اغتشاش بعضی نقاط اقدامات مجدانه نماید ولی بواسطه بعضی تدابیر در شهرهای عمده ایالات اشخاصی را که احتمال

فساد و اغتشاش درباره آنها می‌رفت ساکت نموده و در بعضی مواقع خطرات بزرگ قریب‌الوقوع را به همین ترتیب رفع کرده است.

تعیین حکام ولایات برای دولت مسئله مشکلی شده است و جهت اشکال این است که در میان اشخاص لایق بندرت کسانی پیدا می‌شوند که عاری از دزدی و تقلب بوده و به درستی و جدیت خدمت نمایند.

عجالتاً آراء به دو طریق تقسیم شده است. بعضیها مایلند که اشخاص قدیم باتجربه را دومرتبه انتخاب نموده و بعضی دیگر گمان می‌کنند اشخاص جدید که سابقاً در کارهای عمده دولتی نبوده معین شوند. اشخاصی که دارای عقیده اول‌اند دلیل و برهانی که اقامه می‌نمایند این است که تا چندین سال دیگر نظم ولایات را فقط بتوسط نفوذ شخصی می‌توان نگاهداری کرد و اشخاصی که سابقاً متصدی امور مهمه بودند البته نفوذشان زیادتر از کسان جدید خواهد بود و کسانی که دارای عقیده ثانوی هستند می‌گویند که بتوسط اشخاص جدید عادات بد را از قبیل رشوه‌گیری و چیزهای دیگر آسانتر می‌شود رفع کرد و نظر به این اختلاف آراء تعیین حکومت فارس هنوز تعویق افتاده است.

پس از آنکه معلوم شد که قشائیها علاءالدوله را نمی‌پذیرند عین‌الدوله را به حکومت فارس تعیین نمودند. لیکن پس از ورود، تقی‌زاده نفوذ خود را فوراً بکار برده و اظهار نمود که عین‌الدوله مجسمه اوضاع سابق است که ما می‌خواهیم آن را اصلاح نماییم.

حکومت تبریز هم به همین اشکالات دچار است و ملتیان اصرار دارند که مخبرالسلطنه را تعیین نمایند هر چند که همکار روس من اظهار عدم رضایت از تعیین او نموده و من هم با او همراهی نمودم ملتیان همان اعتراض که به عین‌الدوله می‌نمایند در حق علاءالدوله هم دارند. ولی در این موقع صلاح دولت ایران این بود که برخلاف میل روسیه حرکت ننموده علاءالدوله را به حکومت می‌فرستاد.

دولت ایران در مسئله تعیین حکام به عقیده من بطور عاقلانه رفتار نکرده است. هر چند مسائل دیگر هم هست که اسباب عیبجویی شده است از آنجمله بزور پول گرفتن از بعضی مستبدین است که سابقاً متصدی امور بودند و اعدام شیخ فضل‌الله و اشخاص دیگر. من صحیحاً اطلاع ندارم که از کسی جبراً پول گرفته باشند ولی بالفرض هم اگر این مطلب صحیح باشد بطریقی که این اشخاص پولها را جمع نموده‌اند این اقدام در حق آنها ظلم نیست بعلاوه اینکه دولت در اینموقع ابداً عائدی ندارد.

نظر به اغتشاش ولایات چیزی از مالیات وصول نمی‌شود و تا مدتی هم نخواهد شد و در واقع بیشتر از مالیات امساله تاکنون خرج شده است و سایر منابع عایدات هم در رهن است.

درابتداء دولت ۲۰،۰۰۰ تومان باشکال زیاد از تجار داخله قرض کرد و تا به حال آن پول تمام شده است.

دو هفته قبل یکی از اعضای مهم کمیته به من اظهار نمود که دولت به یکی از این دو اقدام مصمم شده است: اولی توجیه اجباری و دومی استقرار از بانک. مشارالیه اظهار

(۱) توجیه - در اینجا به معنی پول (وجه) گرفتن آمده است. - م.

نمود که برای هر دو این اقدام ممکن است اعتراض بشود. اقدام اول اثر بد خواهد بخشید و وسیله به دست مفسدین خواهد افتاد و اقدام ثانی برخلاف قانون است برای اینکه بدون تصویب مجلس نمی‌توان عقد استقراض را بست.

از قرار معلوم بعد از این ملاقات دولت مصمم شده است که بطریق اول رفتار نماید و باین ترتیب تا یک مدتی می‌توانند امور دولت را اداره نمایند ولی اغلب اشخاصی که مستحق پول گرفتن می‌باشند در تحت حمایت خارجه هستند و گمان می‌کنم که پیش از انعقاد مجلس دولت مجبور بشود که استقراض نماید.

اشخاصی که اعدام شده‌اند عبارت از مفاخر الملك، صنیع حضرت، میرهاشم، شیخ فضل‌الله، و آجودانباشی است. اشخاص فوق در محکمه مخصوص که حالا منحل شده است محاکمه شدند و هرچند راپورت محاکمه آنها که چاپ شده بود کافی نبود لیکن انسان می‌تواند اطمینان نماید که به استثناء آجودانباشی که تقصیر او فقط عبارت از این بود که در بمباردهان مجلس سال گذشته او اول شخصی بوده که شلیک کرده است سایر اشخاص دیگر مستحق رحم نبوده‌اند.

مفاخر الملك، صنیع حضرت، میرهاشم، تماماً متهم به قتل بودند. شیخ فضل‌الله مرتکب این جنایت نشده بود ولی یکی از دشمنان بزرگ مشروطیت بود و هرچند که راپورت محاکمه او چاپ نشد ولی گمان می‌شود که برای استقرار محمد علی میرزاشغول تحریکات بوده است. مخاطرات چنین تحریک پرواضح است. شیخ فضل‌الله برای مملکت خود خطر بزرگی بود خوب شد که ایران او را از میان برداشت.

امضاء بارکلی

نمره - ۲۱۸

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.
آقا

افتخار دارم که سوادى از مراسله کفیل ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز راجع به عقیده عموم بعد از بهم خوردن دولت شاه سابق و تأثیرات این خبر در اوضاع تبریز را لفاً برای شما ارسال دارم.

بارکلی

ضمیمه در نمره ۲۱۸

مراسله مستر اسمارت کفیل ژنرال قنسولگری تبریز به سر بارکلی مورخه ۲۵ ژوئیه [۲۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۷ رجب ۱۳۲۷] از تبریز.
آقا

استعفاء محمد علی شاه از طرف عموم طبقات مردم در کمال خوشوقتی پذیرفته شد.

چون مردم آنقدر منتظر و مسلوب‌الاطه‌ینان بودند که ابداً امید صلح باقی نبود. در ۲۲ ماه ژویه اجلال‌الملک کفیل حکومت، مهمانی رسمی به افتخار جلوس سلطان احمد شاه داد و از آن روز به بعد شب و روز مردم مشغول خوشحالی و چراغانی و آتشبازی هستند.

ستارخان و باقرخان که باتفاق محمد علی بیگ ژنرال قنسول سابق عثمانی برای تهیه بیرون رفتن از تبریز از ژنرال قنسولگری عثمانی خارج شده بودند بعد از این واقعه خیالات خود را تغییر داده‌اند.

محمد علی بیگ در ۲۲ این ماه بتنهائی حرکت کرد. ستارخان و باقرخان عجالاً در خانه‌های خود ساکت نشسته و از قرار معلوم خیال خارج شدن ندارند. تمام محترمین ملت به خروج ایشان مایل هستند. خیلی خوب است به یک بهانه و ترتیبی آنان را خارج نمایند. در تبریز عدد زیادی از ملتیان معتقد هستند که اگر ستارخان و باقرخان بیرون بروند می‌توانند جلوگیری از اراذل که بیشتر آنها فداییهای مسلح هستند بکنند.

عجالاً بر ضد روسها هیچانی نیست و احتمال هم نمی‌رود که این مخالفت عمومیت پیدا نماید مگر اینکه قشون روس پس از ورود حکومت با استعداد کافی شهر را تخلیه نکنند.

انجمن که در اوائل این ماه انتخاب شده، با کفیل حکومت، شهر را بطور نفاق اداره می‌نمایند ولی حضور قشون روس عجالاً کافی است که از اغتشاش جلوگیری نماید. تعیین مخبرالسلطنه به حکومت رضای خاطر عموم را تحصیل کرده است چونکه معروف به کفایت و تجدیدپوری است. ظاهراً مخبرالسلطنه از برلن از راه جلفا مستقیماً به تبریز خواهد آمد و امید است که استعداد کافی از طهران برای او فرستاده شود. البته بدون استعداد نمی‌تواند از فداییهای تبریز جلوگیری کرده و نظم را در ایالت برقرار نماید. اوضاع ایالت خیلی ناگوار است. باستثناء راه جلفا تمام راهها ناامن و شاهسونها تمام عرض راه طهران را از میانه تا حاجی‌آقا چاپیده و اطراف اردبیل را غارت کرده‌اند. محمد قلی‌خان که یکی از رؤسای شاهسون و قاچاقچی معروفی است از طرف سپهدار به حکومت اردبیل منصوب گشت و با ایل خود وارد شهر گشته و خیال چپاول داشته است. عدد زیادی از مردم با رشیدالملک حاکم سابق که از طرف محمدعلی میرزا منصوب بود به قنسلخانه روس متحصن شدند و شهر را به تصرف قلی‌خان دادند ولی ورود صد نفر قزاق روسی عجالاً از اغتشاش جلوگیری کرده است.

مابین رحیم‌خان و شاهسونها درقراداغ مختصر جنگی روی داد ولی صلح در میان ایشان برقرار گردید.

اسمارت

نمره - ۲۱۹

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم سوادى از پروتوکل که در تلگراف پنجم ماه اوت ذکر کرده بودم برای شما بفرستم.

لازم نیست شما را زحمت داده تمام مذاکرات را که نتیجه آن امضاء این پروتوکل ما است برای شما بنویسم. همینقدر کافی است که در اوایل مذاکرات من و همکار روسم حتی الامکان خود را کنار کشیده و کار را به عهده نماینده ایران و نماینده شاه سابق واگذار کردیم که خودشان ترتیب بدهند.

پس از آنکه مذاکرات آنان ابدأ منتج نتیجهای نشد آنوقت ما دخالت نمودیم. اهمیت خارج شدن فوری محمدعلی میرزا بر هیچ کس پوشیده نیست و به همین ملاحظه به طرفین اصرار کردیم که ترتیب فوری داده شود.

قسمتی از جواهرات سلطنتی را شاه سابق با اسباب شخصی خود به سفارت روس برده و جز اینکه جواهرات مذکور را جبراً از شاه بگیریم چاره دیگر نبود مگر اینکه به دولت ایران اصرار نماییم که هواجب او را زیادتز نمایند. پولی که دولت ایران بدو پیشنهاد کرده بود عبارت از مبلغ ۲۵۰۰۰ تومان است. این پول با وجود فقر ایران کم است و بالاخره نتیجه این می شود که شاه سابق قهراً محتاج روسیه شده و دولت روسیه هم قبلاً قول همراهی داده بود.

در جواب نصایح ما کمیته قبول نمود که در صورت قبول پروتوکل هواجب شاهرا [تا] ۷۵۰۰۰ تومان اضافه نماید. از آنطرف شاه سابق به اصرار ما تسلیم شده و چندین جعبه که قسمتی از جواهرات سلطنتی در آن بود برای تفتیش به دولت ایران واگذار نمود. هنوز نتیجه به ما گفته نشده ولی ما می ترسیم که قسمتی از این جواهرات سلطنتی را گرو گذاشته یا فروخته باشد. در این صورت نهائندگان مجبور خواهند شد توضیحات و اسناد جواهرات گروی را از شاه مطالبه نمایند.

من امیدوارم که دولت ایران چون مایل به حرکت فوری شاه سابق است چندان سختگیری نکرده در انجام ترتیبات تأخیر ننمایند.

پیش از اینکه پروتوکل را امضاء نماییم اصرار خواهیم نمود که وزرای ایران آن را بدو امضاء نمایند و برای نیل به این مقصود رفتن محمدعلی را به عنوان گرو نگاه خواهیم داشت. چونکه اگر وزرا این پروتوکل را امضاء نمایند آنوقت مشکل است که مجلس این ترتیب را بهم بزند.

مسائل دیگر هم هست که باید ترتیبی به آنها داده بشود از قبیل ادعای شاه سابق از نرسیدن حقوق سالهای گذشته خود و مطالبات بانکها از شاه سابق.

ادعای شاه سابق برای نرسیدن حقوق او در زمانی که بطور استبداد سلطنت می نمود از طرف دولت ایران قبول نخواهد شد.

از قراری که می‌گویند شاه سابق ۳ کرور تومان به بانک روسی و ۱۵۰ هزار تومان هم به بانک شاهنشاهی مقروض است. در مقابل مطالبات اولی املاک شخصی خود را گرو گذاشته و طلب دومی چون در زمان انعقاد مجلس گذشته بوده است لذا در جزء قروض دولتی محسوب خواهد گردید.

در صورتی که مجلس طلب بانک شاهنشاهی را قبول ننمود ناچار مبلغ فوق را از هواجب سالانه شاه کسر خواهند کرد.

بار کلی

ضمیمه در نمره ۲۱۹

پروتوکل مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ (۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷).

نظر به فوریت حرکت محمد علی میرزا، شاه سابق ایران که در این موقع در تحت حمایت روس و انگلیس است نمایندگان دولت ایران و نمایندگان سفارتین موافقت می‌نمایند که پروتوکل ذیل را ترتیب بدهند:

این پروتوکل منوط به تصویب دولت ایران از یک طرف و دوفرنمایندگان دولتین از طرف دیگر است.

ماده ۱) محمد علی میرزا تمام جواهرات و اشیاء دیگر سلطنتی که هنوز هم در تصرف او است به دولت ایران رد خواهد کرد. جواهراتی که باید به دولت ایران رد بشود پس از رسیدگی در حضور نمایندگان دولتین معلوم خواهد شد.

ماده ۲) محمد علی میرزا تمام اسناد راجعه به جواهرات سلطنتی که در بانکها یا محل‌های دیگر رهن گذارده و در مقابل پول گرفته است آنها را به دولت ایران رد خواهد کرد. دولت ایران می‌تواند به میل خود آن جواهرات را پول داده و پس بگیرد.

ماده ۳) دولت ایران برای محمد علی میرزا مستمری سالیانه که مبلغ آن ۷۵۰۰۰۰ تومان است تعیین خواهد نمود که هر شش ماه به شش ماه توسط بانک استقراضی ایران در طهران پیشکی کارسازی دارد.

ماده ۴) پس از آنکه دولت ایران از تمام جواهرات و اشیایی که به تصرف او داده شد صورتی ترتیب داده فهرست ثانوی از اشیاء مفقوده را به سفارتین ارائه خواهد داد سفارتین از محمد علی میرزا توضیحات دقیقه و تمام جزئیات ممکنه را در خصوص همین جواهرات و اشیاء مفقوده خواهند خواست و در صورتی که از آن جواهرات و اشیاء در پیش محمد علی میرزا و یا اتباع او که در سفارت روس متحصن می‌باشند پیدا بشود و یا اینکه آن توضیحات صحیح نباشد سفارتین هرچه از دستشان برآید مضایقه نخواهند کرد تا آن جواهرات و اشیاء سلطنتی را تحصیل و به دولت ایران تسلیم نمایند.

ماده ۵) هرگاه پس از تاریخ این پروتوکل در محضر سفارتین معلوم گردد که محمد علی میرزا جواهر و یا اشیاء سلطنتی را فروخته است پول آن را دولت ایران از مستمری او کسر خواهد نمود. (از تاریخ پروتوکل)^۱

(۱) بهمین گونه است در اصل. ۲

ماده ۶) محمد علی میرزا هرچه زودتر ممکن بشود از طهران به خارجه حرکت خواهد کرد ولی زیاده از ۱۵ روز بعد از تاریخ پروتوکل دیگر در طهران اقامت نخواهد نمود. تحریراً در زرگنده بتاريخ سوم ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۷]

اعضاء مجلس فوق العاده

وثوق الدوله

حسینقلی

دکتر ابراهیم

دکتر حکیم الملک

اسدالله

مشار السلطنه کفیل وزارت امور خارجه

موثق الدوله وزیر دربار

چرچیل

بارنوسکی

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۲۰

مراسله سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ اوت ۱۹۰۹ [۲۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۶ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم که لفاً مجملی از حوادث چهار هفته اخیر را بطور معمول تقدیم نمایم. بارکلی

ضمیمه در نمره ۲۲۰

حوادث اخیر از ۱۹ ژون الی ۶ ماه اوت ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد تا ۱۴ مرداد ۱۲۸۸؛ ۳۰ ج ۱ تا ۱۹ رجب ۱۳۲۷]

طهران

کابینه سعدالدوله از ترس خبر ورود قشون ملی اصفهان و قزوین در ۲۴ ماه ژون [۳ تیر؛ ۵ ج ۲] استعفاء نمودند ولی نظر به حکم شاه که موقتاً مشغول باشند عجالاً در سر کار خود هستند.

سفارتین مترجمین خود را نزد وزراء فرستادند که مابین آنها اتفاق را پایدار نمایند چونکه فرمانفرما مخصوصاً بطور دیوانگی رفتار می نمود.

ژنرال قنسولهای روس و انگلیس مقیم اصفهان در ۲۶ ماه [۵ تیر، ۷ ج ۲] به قم وارد شدند تا سردار اسعد را وادارند که از پیش آمدن خود صرف نظر نماید. ولی حوادث متعاقبه نشان داد که اقدامات آنها منتج نتیجه نشده است. در ۲۸ ماه قشون سپهدار که مرکب از مجاهدین قفقازی و ایرانی رشت و قزوین بود به ینگلی امام که در ۴۵ میلی مسافت طهران

واقع است رسیدند. چهار روز قبل هم يك اردوی قزاق در تحت فرمان کاپیتان زاپولسکی به کرج فرستاده شده است.

در اول ماه ژوئیه [۱۰ تیر؛ ۱۲ ج ۲] سردار اسعد از قم حرکت نمود و این حرکت اسباب تعجب عموم گردید برای آنکه گمان می شد اخطار شدید سفارتین او را از حرکت باز خواهد داشت.

در طهران بازارها بسته و عموم به خارج شهر حرکت می نمودند. روز بعد نمایندگان روس و انگلیس ملاقات حزن آمیزی در سلطنت آباد از شاه نمودند و به آن اعلیحضرت اظهار داشتند که اگر نصاب دولتین را زودتر قبول می کردید کار به اینجا نمی کشید با وجود این سعی کامل خواهند نمود که این بحران به صلح و مسالمت خاتمه پذیرد.

در ۳ و ۴ ماه ژوئیه [۱۲ و ۱۳ تیر؛ ۱۴ و ۱۵ ج ۲] اتفاق مهمی روی داد: سردار اسعد به رباط کریم وارد گردید و به قزاقها فرمان دادند که از کرج عقب نشینند و بمحض اینکه قزاقها از کرج عقب کشیدند فوراً سپهدار آن نقطه را تصرف نمود. نظر به اینکه قشون ملی سریعاً به نزدیک پایتخت رسیدند نمایندگان مصمم شدند که مطابق دستورالعمل دولتین خود بنزد دو نفر رئیس نماینده اعزام دارند. لذا مستر چرچیل و رومانوسکی نزد سردار اسعد و ماژور استوکس و بارانوسکی به پیش سپهدار فرستاده شد.

ساعت يك بعد از ظهر روز چهارم ماه ژوئیه [۱۳ تیر؛ ۱۵ ج ۲] نمایندگان حرکت کردند ولی آنهاييکه نزد سپهدار می رفتند در شاه آباد که در پانزده میلی شهر واقع است (و محلی است که قزاقها در آن نقطه اردو زده اند) دیدند که دسته ای از قشون سپهدار به قزاقها حمله ورند و در این بین قزاقها چند تیری بطرف نمایندگان شلیک کردند. این بود که مجبور شدند از حرکت دست کشیده توقف نمایند.

از قرار معلوم این زد و خورد فقط عبارت از يك نزاع پیشقراولی بوده. قزاقها محل خود را نگاه داشته و خسارت کلی به ملتیان وارد آوردند و يك عراده توپ هم تصرف کردند.

نمایندگان پیغام خود را به سردار اسعد و سپهدار اظهار کردند ولی ثمری نبخشید.

در ۶ ماه ژوئیه [۱۵ تیر؛ ۱۷ ج ۲] سفارت روس به دولت ایران اطلاع داد که قشون روس به قزوین وارد خواهند شد نه برای اینکه در این نزاع داخلی دخالت کرده بلکه محافظت اتباع روس و خارجه را به عهده خواهند گرفت.

در ۹ ماه ژوئیه [۱۸ تیر؛ ۲۰ ج ۲] سپهدار با هزار نفر از کرج بطرف رباط کریم حرکت نمود. این قشون از سمت قزاقها که در شاه آباد بودند گذشته و از طرف جنوب شرقی به رباط کریم که سردار اسعد با هزار و دویست نفر بختیاری در آن نقطه بود وارد شدند. با وجود اینکه امیر مخم اقدامات خادعانه برای حمله به قشون سپهدار نموده بود این دو دسته قشون ملتیان متحداً تا سه روز در آن محل مشغول دفاع بودند. با وجود اینکه بمبارده سختی از طرف قشون دولتی به آنها می شد در شب ۱۲ ماه ژوئیه [۲۰ تیر؛ ۲۲ ج ۲] تمام قشون ملتی از میان قزاقها و سایر قشون دولتی بدون اینکه آنها خبردار شوند گذشته و در ساعت ۶ صبح روز ۱۳ ماه ژوئیه [۲۲ تیر؛ ۲۴ ج ۲] از دروازه یوسف آباد داخل طهران شده و از مقابل سفارت انگلیس گذشته و به سه قسمت منقسم و بدون هیچ مانعتی به بهارستان رسیدند.

سربازهایی را که مستحفظ قراولخانه‌ها بودند بدون هیچ اشکالی خلع سلاح نمودند، اگرچه در قراولخانه روبروی سفارت انگلیس دو سه نفر مقتول و مجروح شدند. سربازهایی که در میدان توپخانه بودند به دسته‌ای از قشون ملتیان که از خیابان علاءالدوله بطرف میدان می‌رفتند شلیک کرده و تمام درهای میدان را بستند. بختیارپها فوراً سه دروازه شمالی و سه دروازه شرقی شهر را متصرف شدند ولی سه دروازه غربی در تصرف قزاقها ماند. در صبح همان روز کاپیتن زاپولسکی با ۴۰۰ نفر قزاق از یکی از آن دروازه‌ها داخل شهر شده و خود را به کولونل لیاخف که با ۴۰۰ نفر قزاق در قزاقخانه بود ملحق نمود. بقیه قزاقها که ۳۰۰ نفر بودند محض محافظت شاه به سلطنت آباد رفتند. بعلاوه این قزاقها دو هزار نفر قشون دیگر که در تحت فرمان امیر بهادر در سلطنت آباد بودند ابداً دخیل جنگ نشدند.

در تمام مدت ۳ روز جنگ که ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ ژویه [۲۲ و ۲۳ و ۲۴ تیر؛ ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ ج ۲] باشد، قزاقها در قزاقخانه مشغول دفاع بودند و تقریباً ۵۰۰ نفر هم از قشون غیرمنظم شاه میدان مشق را متصرف بودند. قشون سپهدار و سردار اسعد بقیه نقاط شهر را متصرف [= تصرف] نموده و بهارستان را مرکز خود قرار داده بودند. عده‌ای از مجاهدین جسور بنزدیک قزاقخانه رفته و با موزر که خوب بکار می‌برند خسارت کلی بطرف مقابل وارد می‌آوردند و شبها هم بمب می‌انداختند.

در ۱۴ ماه [۲۳ تیر؛ ۲۵ ج ۲] شاه اظهار نمود که می‌خواهد باتمام قوه خود حمله آخری را به شهر کرده در صورتیکه موفقیت حاصل نگردید به سفارت روس متحصن گردد. این حمله ابداً اثری نبخشید کاپیتن پرینیزوف از تپه‌های قصر قجر بهارستان را بمبارده می‌کرد و به حمایت توپ عده‌ای از قشون به دروازه دوشان تپه حمله آوردند. بختیارپها دروازه را فتح کردند و دسته قشون شاه که حمله‌ور بودند بکلی متفرق شدند و از آنطرف هم بمبارده بهارستان ابداً نتیجه نبخشید. در همین موقع کلنل لیاخف سعی داشت که بهارستان را بمبارده نماید لیکن توپچیها خیلی ناقابل بودند چونکه اغلب گلوله‌ها به بانک شاهنشاهی می‌خورد بدون اینکه خسارت زیاد وارد بیاورد.

با وجود این صاحب‌منصبان ایرانی به شاه اطمینان می‌دادند که فتح بالاخره با او خواهد بود و به این جهت روز بعد (یعنی ۱۵ ماه ژویه) [۲۴ تیر؛ ۲۶ ج ۲] باز قشون شاه به دروازه‌ها حمله کردند ولی قزاقها فقط مشغول دفاع بودند. هر دفعه که از قشون شاه حمله می‌شد با خسارت زیاد پس می‌نشستند. در همان روز عده قلیلی از بختیارپهای دولتی سعی نمودند که خود را به خانه‌ای که نزدیک سفارت انگلیس بود برسانند و به این جهت جنگ طولانی مابین آنها و فداییها در گرفت.

عده مقتولین در این سه روزه جنگ معلوم نیست ولی گمان نمی‌شود که زیاده از ۳۰۰ نفر باشند.

در ۱۶ ماه ژویه [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] شاه در تحت حفاظت مستحفظین روس و انگلیس در سفارت روس متحصن گردید و مترجمین سفارتین برای صلح مابین کولونل لیاخف و ملتیان به طهران فرستاده شدند و آنها در اقدام خود موفقیت تحصیل نمودند.

در همان روز مابین قزاقها و بختیاریهها صلح برقرار گردید و روز بعد شهر به حالت معمولی خود عودت کرد.

در ۱۷ ماه [۲۶ تیر؛ ۲۸ ج ۲] مجلس عالی خلع محمد علی و انتخاب سلطنت و تعیین ولیعهد سلطان احمد شاه را اعلان نمود. عضدالملک موقتاً به نیابت سلطنت منصوب و کابینه ذیل را عجالاً تا افتتاح مجلس شورای ملی تعیین نمودند:

- ۱) وزیر جنگ سپهدار
- ۲) وزیر داخله سردار اسعد
- ۳) وزیر امور خارجه ناصرالملک
- ۴) وزیر مالیه مستوفی‌الممالک
- ۵) وزیر عدلیه فرمانفرما
- ۶) وزیر علوم صنیع‌الدوله
- ۷) وزیر دربار موثق‌الدوله

۸) وزیر پست و تلگراف سردار منصور.

تلگرافی به ناصرالملک مخابره شده و او را به مراجعت ایران برای اشتغال به کار خود دعوت نمودند. در غیاب ناصرالملک کفالت وزارت امور خارجه را رسماً به عهده مشارالسلطنه معاون وزارت خارجه واگذار نموده و سفارت‌خانه‌ها را هم از این مطلب مطلع ساختند.

چندین انتخابات خوبی هم صورت گرفت از قبیل انتخاب رئیس معروف رولوسیونرهای قفقاز موسوم به پیرم به ریاست پلیس. علاءالدوله که چند روز قبل وارد طهران شده بود به حکومت فارس معین گردید. مخبرالسلطنه که در موقع بهاردمان مجلس در ماه ژون (۱۹۰۸) حاکم آذربایجان بود در این موقع دومرتبه به حکومت آن ایالت منصوب و تلگرافی به او مخابره نمودند که مستقیماً از اروپا به تبریز عازم گردد. حکومت اصفهان صمصام‌السلطنه تصدیق شد.

سعدالدوله و مخبرالدوله به سفارت انگلیس متحصن شدند لیکن پس از تحصیل اطمینان که کسی با آنها کاری ندارد از سفارت خارج گردیدند ولی سعدالدوله بعد از آن خود را در تحت حمایت روسیه در آورده است. دولت موقتی رسماً تغییر سلطنت را به سفارتخانه‌ها اعلان نمود.

سفارتین روس و انگلیس شناسایی خود را در خصوص سلطان احمد شاه رسماً اظهار کردند. سفارتخانه‌های دیگر نیز به همین منوال عمل نمودند.

در ۲۱ و ۲۲ ماه ژویه [۳۰ و ۳۱ تیر؛ ۳ و ۴ رجب] شهر را چراغانی و روزنامه‌ها دوباره شروع به انتشار گردید.

در ۲۶ ماه ژویه [۳ امرداد ۱۲۸۸؛ ۸ رجب ۱۳۲۷] مفاخرالملک را که یکی از مستبدین معروف بود دستگیر و دو روز بعد از محاکمه در محضر محکمه مخصوص در باغ شاه تیربارانش کردند. در همان محکمه سه نفر دیگر از مستبدین معروف را که عبارت از صنیع حضرت، رئیس اراذل مسلح که محمدعلی جمع کرده بود و شیخ فضل‌الله بود محاکمه و در

محضر عام در میدان توپخانه بدار آویختند^۱.

چند نفر دیگر هم دستگیر شدند که در میان آنها حاجی مجدالدوله و امیر نظام وزیر مالیة سابق بود.

در این ضمن کمیته ملتیان که حسینقلی خان نواب روح آن است، از طرف دولت برای تصرف جواهرات و سایر اشیاء متعلق به دولت اقدام نمودند که محمدعلی میرزا آنها را همراه خود به سفارت روس برده بود. قسمت زیادی از آن جواهرات را بی زحمت از محمدعلی میرزا پس گرفتند ولی او میخواست که قسمت دیگر از جواهرات را نزد خود نگاه دارد. کمیته پیشنهاد نمود که مبلغ ۵۰۰۰ لیره موجب سالیانه به محمدعلی میرزا خواهد داد ولی بعد از مذاکرات طولانی که سفارتین نمودند در ۳ ماه اوت پروتکل امضاء گردید که بموجب آن سالی پانزده هزار لیره به محمدعلی میرزا داده خواهد شد و باید در مقابل این، او هم تمام جواهرات سلطنتی را تسلیم داده و در ۱۷ ماه اوت از طهران حرکت نماید. در ۴ ماه اوت محمدعلی میرزا بقیة جواهرات سلطنتی را تسلیم دولت نمود. در ۳۱ ماه ژوئیه اعلیحضرت سلطان احمد شاه با همراهی عضدالملک نایب السلطنه که از طرف آن اعلیحضرت سیزده ساله نطق می کرد از سفراء اولین دفعه پذیرایی را نمودند. در ۴ ماه اوت کنل لیاخف از طهران به روسیه حرکت کرد.

اغلب از اتباع مستبد محمدعلی همراه وی به سفارت روس آمدند که در میان آنان امیر بهادر و نایب السلطنه هم هست.

عدهای سیلاخوری در زمینهای اطراف سفارت چادر زده بودند، با اشکال آنها را خارج کردند و برخی از آنان در خیال غارت دهات اطراف بودند و بدین جهت عدهای بختیاری برای متفرق ساختن آنها از شهر فرستاده شدند.

اوضاع معمولة شهر برقرار و انتخاب پانزده نفر وکیل طهران موافق قانون انتخابات جدید در جریان است.

در ۵ ماه اوت ظل السلطان به رشت وارد شد و بطرف طهران عزیمت نمود ولی در منجیل از طرف دولت توقیف گردید.

در ۶ ماه اوت تقی زاده وارد طهران شد.

چرچیل

۶ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۴ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۹ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

تبریز

مخبر السلطنه که به حکومت آذربایجان منصوب شده است هنوز وارد تبریز نگشته. انجمن مایل است صمد خان را که یکی از رؤسای ایلات و از سردارهای شاهی است از حکومت مراغه معزول نماید. چونکه صمدخان حاکم خوب و مراغه فقط نقطه آرامی است در آذربایجان لذا سفارتین نصیحت نمودند که او را در مأموریت خود باقی گذارند.

(۱) بهمین گونه است در اصل و از نفر سوم بدار آویختگان نام برده نشده است. — م.

اردبیل

در اوایل ماه اوت دولت روسیه به دولت ایران اطلاع داد که اگر تا چهارم ماه اوت يك حاکم مقتدر با استعداد کافی به اردبیل اعزام نشود برای استقرار نظم دولت روسیه مجبور است که آن نقطه را با قشون خود منظم نماید. لهذا در دوم ماه «اوت»، فاتح السلطنه به حکومت اردبیل منصوب و از تبریز به منطقه مأموریت خود عازم گردید.

رشت

در نهم ماه ژویه [۱۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۲۷] عدد کشتی روسیه به انزلی وارد و قشون خود را پیاده کرد. در دهم همین ماه سه عدد کشتی دیگر قشون وارد نمود. در دهم ماه، ۶۲۵ نفر قزاق از رشت به قزوین حرکت و مجاهدین مسلح ترك اسلحه نمودند. در ۱۳ ماه، هزار نفر پیاده با چهار عراده توپ از انزلی به رشت عازم شدند و در ۱۶ ماه به قزوین رسیدند: در نوزدهم ماه، سه کشتی دیگر که حامل آذوقه بودند به انزلی وارد شدند. به فاصله يك روز آذوقه‌ها را بتوسط ۱۵۹ نفر ضابط از کشتیها خارج کردند. در ۳ ماه اوت [۱۱ مرداد؛ ۱۶ رجب] ۵۰ نفر سرباز روسی وارد انزلی و به ویس قنسول اعلی حضرتی اطلاع داده شد که باز دستجات کوچک وارد خواهند شد. اتفاقات طهران اسباب خوشوقتی عموم اهالی رشت را فراهم نمود. در ۳ ماه اوت تقی‌زاده که از تبریز می‌آمد از رشت گذشته و بطرف طهران حرکت کرد.

استراباد

خبر استعفاء محمدعلی میرزا با مسرت فوق‌العاده شنیده شد. شهر را سده شب چراغانی کردند و توپ انداختند.

اصفهان

چون بختیارها زیاده از حد مرتکب انواع و اقسام شرارت می‌شدند لذا ژنرال قنسولهای روس و انگلیس یادداشت سختی به کارگزار فرستادند. نتیجه اقدام این شد که رئیس نظمیه معزول و غریب‌خان به جای او منصوب گردید. این شخص سعی کامل نمود که نظم را برقرار نماید صمصام السلطنه هم برای نیل به همین مقصود اقدامات لازمه نموده است.

صمصام السلطنه اعلانی منتشر نمود که هر بختیاری از اهالی جبراً پول بگیرد یا اینکه زنها را اذیت نماید مجازات سخت خواهد دید و بهوجب اعلان بیگری که منتشر نمود تیراندازی در شهر را بکلی غدغن کرده است و اگر کسی در شهر تیراندازی نماید خانه او را خراب خواهند کرد. نظر به این اقدامات اصفهان آرام است.

ورود قشون ملتیان به طهران بتوسط شلیک توپ در ۱۳ ماه ژویه [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲ - ۱۳۲۷] اعلان گردید و دو شب بازارها را چراغان نمودند.

در ۱۶ ماه [۲۵ تیر؛ ۲۷ ج ۲] خبر تحسن شاه به سفارت روس در اصفهان منتشر گردید

و در ۱۸ ماه [۲۷ تیر؛ ۲۹ ج ۲] تعیین صمصام‌السلطنه به حکومت اصفهان اعلان شد. چند روز بعد آقا نورالله را مجبور کردند که از ریاست انجمن استعفاء بدهد. مابین مالاها و صمصام‌السلطنه نقار زیادی جریان دارد.

در ۲۰ ماه ژویه [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] جلوس سلطان احمد شاه بتوسط شلیک توپ اعلان شد. در اصفهان و جلفا چراغانی بود و در آن شب خوانین مهمان رئیس روحانیان آرامنه بودند.

مستر گراهم راپورت می‌دهد که حوادث طهران تأثیرات زیادی در عموم اهالی اصفهان نکرده است. اکثر مردم که عبارت از تربیت‌شدگان و تجار محلی هستند مایل مشروطیت ولی عده زیادی نیز در ضد مشروطیت می‌باشند و این اشخاص مرکب از علماء و مأمورین دولتی هستند. علماء از بیم آنکه نفوذ آنان کاسته گردد و مأمورین دولتی از این می‌ترسند که راه مداخل آنها مسدود شود.

چند هفته بود که راه طهران و اصفهان بسیار ناامن بود و از قرار معلوم قشون دولتی و ملتی هر دو شریک دزدی بودند ولی پس از آنکه سردار اسعد وزیر داخله شد فوراً حکم کرد که بختیارها تمام راهها را محافظت نمایند و نتیجه این شد که در ۲۴ ماه ژویه بنا به راپورت راهها امن و از دزدی محفوظ بود.

به‌وجوب راپورت، راه اهواز خیلی ناامن است و دو کاروان بزرگ را دزدان به یغما برده‌اند.

انتخابات مجلس شورای ملی در ۲۹ ماه ژویه [۶ امرداد؛ ۱۱ رجب] شروع و باید تا ۱۲ ماه تمام شود.

یزد

در ماه ژویه راه یزد امنیت تحصیل نکرد. باز در راهها دزدیهای زیاد کرده می‌شود. ورود پست بسیار غیرمرتب و در شهر و اطراف یهودیها و پارسیها متصل در تحت فشار و آزار مسلمانها هستند.

طرز جدید استبداد یزد عبارت از این است که دوشیزگان پارسی را جبراً داخل دین اسلام نمایند. سه چهار فقره چنین قضیه اتفاق افتاد و نتیجه این شد که مدرسه دختران پارسی بسته شده و دیگر جرئت ندارند که از منازل خود بیرون بیایند. بدبختانه پارسیهای این نقطه در مسئله انتخاب رئیس روحانی در میان خود نیز نفاق دارند. رئیس سابق فوت شده و الان نزاع در این است که کدام یک از پسران او در جای پدر بنشینند. عدل‌الدوله که از حکومت استعفاء داده بود دومرتبه به حکومت منصوب گردید.

کرمان

ابتدا آثار بهبودی اوضاع در این ماه آخر مشهود نیست. حکومت نظام‌السلطنه از طرف دولت جدید تصدیق شد ولی هنوز از طهران به کرمان حرکت نکرده است.

کرمانشاهان

بواسطه نزاع مابین علماء، اهالی کرمانشاهان به دو قسمت تقسیم شده‌اند. ریاست یک دسته از اینها با سید کمال‌الدین است که یکی از علماء طهران و اغلب اشخاص مهم شهر با او همراه هستند و دشنه دیگر در تحت ریاست معین‌الرعیایا است که علماء محلی نیز مخفیانه با او همراهی دارند. در ۱۴ ماه ژویه مابین دو دسته جنگ شروع شد. ظهیر-الملك که رئیس قشون سید کمال است معین‌الرعیایا را شکست داد. روز ۱۵، صبح، معین‌الرعیایا با ۲ نفر دیگر به زمینهای قنسولگری انگلیس بدون اجازه کاپیتان کراسل (قنسول انگلیس) متحصن شدند. نظر به اینکه ممکن است بعد از این هم اینطور اتفاقات روی بدهد کاپیتان کراسل حکم کرد که هیچکس را به قنسولخانه راه ندهند. ولی چون زمین قنسولخانه باز است لذا ابدأ ممکن نیست که در شب از دخول کسی ممانعت نمود. کاپیتان کراسل از حکومت خواهش نمود که برای اتباع انگلیس مستحفظ فرستاده شود. حاکم جواب داد که این اقدام برای من ممکن نیست چونکه ابدأ قدرتی نمانده و ظهیرالملك قورخانه را تصرف کرده است. کاپیتان کراسل بعد از ملاقات از متحصنین بی‌میلی خود را از اقامت آنها ظاهر نمود ولی آنان خارج شدن را قبول نکردند و اظهار داشتند که بمجرد خروج کشته خواهیم شد. کاپیتان کراسل کاغذی به حکومت نوشته و اطلاع داد که این اشخاص به قنسولخانه متحصن شدند و خواهش نمود که ترتیبی برای حرکت اینها داده شود. کارگزار از طرف حکومت نزد کاپیتان کراسل آمد و کاپیتان از اقامت این اشخاص در قنسولخانه پرتست نمود و از کارگزار درخواست کرد که ترتیب فوری برای خارج شدن این اشخاص بدهد و باز اظهار کرد که مکرر برای قراول نزد حاکم فرستاده و حکومت امتناع ورزیده است. کاپیتان کراسل به کارگزار اظهار کرد که هیچ وقت مایل نیستم که در امور محلی که ابدأ رابطه به منافع ما ندارد دخالت کرده باشم.

کارگزار از بی‌اقتداری حاکم اظهار تأسف کرده و پس از ملاقاتی از متحصنین قبول کرد که از ظهیرالملك ملاقات کرده و به او اطلاع بدهد در صورتی که از اعدام متحصنین صرف‌نظر نمایند آنان حاضرند که از شهر خارج بشوند. در این بین ظهیرالملك از بلوای شهر استفاده کرده خانه معین‌الرعیایا را آتش زده و چندین خانه‌های دیگر را نیز غارت نمود. در شب آن روز ظهیرالملك پیغام فرستاد که متحصنین باید بدون هیچ شرطی تسلیم بشوند تا آنها را زنجیر کرده و بعد از محاکمه به مجازات برسند و اظهار نموده بود که از جمله تقصیرات معین‌الرعیایا یکی این است که به نظر علی خان و پسر داود خان کلهر که بر ضد پدر خودش هست کاغذ نوشته و هر دو آنها را به امداد خود دعوت نموده است. معین‌الرعیایا این مطلب را تکذیب کرد و در همان وقت به هر دو آنها کاغذی نوشت و خواهش نمود که از برای مساعدت و امداد به کرمانشاهان بیایند. با پیغام ظهیر-الملك جمعیت زیادی نیز آمده بودند و اظهار می‌کردند که مقصود آنان اخراج متحصنین است و در صورت لزوم عنفاً آنها را بیرون خواهند کرد. چون معلوم بود در صورت بیرون رفتن متحصنین فوراً کشته خواهند شد کاپیتان کراسل

اظهار نموده بود تا اطمینان داده نشود که به متحصنین اذیتی نخواهد رسید به آنها اجازه بیرون رفتن را نخواهد داد. در ۱۶ ماه [۲۵ تیر؛ ۲۷ ج ۲] حکومت به کاپیتن کراسل کاغذی نوشته و در آن مراسم اظهارنموده بود که از حکومت استعفاء داده است. اگرچه به مشارالیه اصرار شد که در این خیال خود دقت نظری نماید ولی بهیچوجه او خیال خود را تغییر نداد و به منشی قنصلگری اظهار نموده بود تا وقتی که از طهران استعداد فرستاده نشود و تا مدتی که ظهیرالملک در سر نزاع شخصی خود سرباز و تفنگ دولتی را بکار می‌برد ابداً متصدی امور حکومتی نخواهد گردید. روز ۱۷ [۲۶ تیر؛ ۲۸ ج ۲] طرف صبح، داود خان رئیس ایل کلهر با ۲۰۰ سوار برای کمک ظهیرالملک وارد شد. از قرار راپورت، داود خان اظهار کرده بود که اگر معین‌الرعا یا بدون هیچ شرط تسلیم نشود شهر را غارت خواهد نمود. در همان روز خبر استعفاءی محمد علی میرزا رسید و این مطلب خیال عموم را به خود متوجه ساخت.

در شب آن روز منشی قنصلگری از داود خان ملاقات نمود و اوضاع را به او حالی کرد و نتیجه این شد که در آن شب حادثه رخ نداد و شهر آرام ماند. در ۱۸ ماه [۲۷ تیر؛ ۲۹ ج ۲] ظهیرالملک با اتباع خود از داودخان ملاقات نمود و به او اظهار داشت که سوارهای، خود را مرخص کرده و فقط ۳۰ نفر همراه خود نگاه دارد. داود خان این پیشنهاد را قبول نموده و به سپهدار تلگراف کرد که باید معین‌الرعا یا بدون هیچ شرطی تسلیم شود. در ۲۹ ماه [۶ امرداد؛ ۱۱ رجب] یکی از متحصنین قنصلخانه بیرون رفت. حکومت دومرتبه استعفا داد و در ۳۰ ماه دوباره مشغول حکومت گردید. در ۳ ماه اوت [۱۱ امرداد؛ ۱۶ رجب] سایر متحصنین به میل خود از قنصلخانه خارج شدند. در ۵ ماه اوت [۱۳ مرداد؛ ۱۸ رجب] نماینده وزارت خارجه ایران در خصوص نگاهداری متحصنین در قنصلخانه به وزیرمختار انگلیس در طهران پرتست نمود و به او جواب داده شد که دیگر آنان در قنصلخانه نیستند.

وزیر مختار اعلیحضرتی موقع را غنیمت شمرده از حرکات حکومت و داود خان و ظهیرالملک پرتست خیلی سخت نمود و اظهار داشت که بهیچوجه امکان‌پذیر نبود که او بگذارد متحصنین جز به میل خود از قنصلخانه خارج بشوند چرا که معلوم بود قطاع‌الطریق و وحشیها مانند ظهیرالملک در پی اعدام آنها هستند.

از حوادث طهران آثار کمی در کرمانشاهان تظاهر نموده شهر مشغول اورداخلی خود بوده است. عجاتاً کالسکه از همدان به قزوین راه افتاده و مسافرت ۴۸ ساعت طول می‌کشد. تقریباً ۱۰ ماه ژویه [۱۹ تیر؛ ۲۱ ج ۲] حاکم قصرشیرین تلگرافاً [=تلگرافی] به حکومت کرمانشاهان اطلاع داد که آقا ملا احمد یزدی از طرف رئیس روحانی کربلا به آن نقطه وارد شده و با نایب‌السلطنه عموی شاه مشغول مخابرات تلگرافی است و مقصود علماء این است که از خیالات شاه کسب اطلاع نمایند. آقا احمد اظهار نموده بود که اگر مشروطه‌طلبها موفقیت تحصیل نمایند رئیس روحانی کربلا خود به ایران آمده و زمام‌امور را در دست خواهد گرفت.

همدان

در این مدت ساکت بوده ظاهراً برای اعزام دستجات برای کمک ملتیان که روبه طهران می‌روند تهیه دیده می‌شود ولی اگر استعدادی هم فرستاده شده باشد خیلی کم بوده است.

شیراز

در ۱۱ ماه ژویه [۲۰ تیر؛ ۲۲ ج ۲] آصف‌الدوله به قنصلخانه‌های انگلیس و روس اطلاع داد نظربه اینکه بهیچوجه مایل خونریزی‌نیستم لذا از حکومت فارس استعفا داده‌ام. در ۱۲ ماه [۲۱ تیر؛ ۲۳ ج ۲] کلیه قشون شیراز در دو قنصلگری متحصن و از نرسیدن مواجب اظهار شکایت نمودند در صورتیکه حکومت مرتباً به قشقایبها پول می‌رساند. ایل عرب پیغام داده بودند در هر موقعی که قوام‌الملک حکم بدهد آنها حاضرند که به شیراز حمله‌ور شوند. در ۱۳ ماه [۲۳ تیر؛ ۲۴ ج ۲] خبر رسید که سید عبدالحسین لاری با شیخ زکریا و ۴۰۰ نفر دیگر در نزدیکی داراب هستند. قنصلها پیغام سفارتین را به آصف‌الدوله مذاکره نموده و از او درخواست کردند که به سید لاری و صولت‌الدوله حکم قطعی صادر نماید که ابداً بطرف شیراز حرکت ننمایند. آصف‌الدوله اظهار کرده بود که او در شرف حرکت از شیراز است و قول داد که قشقایبها را از شهر خارج نماید.

در همان روز تعیین ظل‌السلطان به حکومت فارس اعلان و از طرف اهالی در کمال خوشوقتی پذیرفته شد. در ۱۴ ماه [۲۳ تیر؛ ۲۵ ج ۲] منشی قنصلخانه از آصف‌الدوله ملاقات نمود و مشارالیه از خبر عزل خود بی‌اطلاع بود و از استماع این خبر تعجب نمود. بدبختانه تعیین ظل‌السلطان از طرف دولت جدید تصویب نگردید. در همان روز به قنصل اعلیحضرتی راپورت رسید که سید عبدالحسین لاری در طاهرون [طاحون - طاحونه؟] در مسافت صد میلی از بندرعباس ناخوش است. عدم تصویب تعیین ظل‌السلطان و انتشار این مطلب بتوسط مشیرالملک که بهوجب اعلان رسمی تازه وزیر شده، دومرتبه هیجان را بر ضد آصف‌الدوله تحریک کرد و سید محمد به قنصلها کاغذی نوشته و اشعار می‌دارد جمعیتی که در مسجد شاه چراغ اجتماع نموده‌اند از ربنقه اطاعت او خارج و اگر میل دارند از اغتشاش جلوگیری نمایند باید آصف‌الدوله را فوراً معزول و از شهر خارج نمایند.

در ۱۷ ماه [۲۶ تیر؛ ۲۸ ج ۲] خبر تعیین عطاءالدوله به سمت نیابت حکومت موقتی تا ورود بهرام میرزا واصل گردید. قنصلها غیررسمی از او ملاقات نمودند و اصرار کردند که برای برقراری نظم اقدامات لازمه را بنمایند و او قول داده است که اقدامات مجدانه نماید.

آصف‌الدوله با وجود اظهارات سابق خودش که می‌خواست حرکت نماید در این موقع ابداً قبول این مطلب را ننموده و اظهار می‌دارد ظل‌السلطان را محمد علی میرزا تعیین کرده و حالا خود او از سلطنت مخلوع است.

اخبار شایعه شهری تعیین حکومت ظل‌السلطان را تکذیب می‌کرد و می‌گفتند تلگرافی که در این خصوص عطاءالدوله اظهار می‌کند از طرف قنصلگریها مجعول و ساختگی

است برای اینکه متحصنین قنسولگریها را ساکت نگاه دارند. در ۱۷ ماه قنسولگریها بتوسط کاغذ به عطاءالدوله اصرار نمودند که گوش به این انتشارات نداده و تا مدتی که دستورالعمل ثانوی برسد، قطع نظر از هر ترتیبی که در مرکز داده شده باشد او مسؤل نظم شیراز خواهد بود. در همان روز قاصدی از جهرم رسید و اظهار داشت سیدعبدالحسین به آن نقطه آدم فرستاده تا به هر قیمتی که ممکن است برای او فشنگ خریداری نمایند.

از سپهدار و سردار اسعد بتوسط تلگراف اعلان وزارت جنگ و داخله ایشان رسید. در ۱۸ ماه [۲۷ تیر؛ ۲۹ ج ۲] تلگرافی از سردار اسعد به صولتالدوله مخابره شد و در آن تلگراف وزیر داخله قدغن کرده بود که از محل خود بطرف شیراز حرکت نکند. در همان روز اعراب از ده بید به قوام تلگراف نموده و به او اصرار می کردند که دربیضا با قشقاتیها جنگ نماید. قوام کاغذی به قنسولها نوشته که چون صولتالدوله از بیلاق خود بطرف شیراز حرکت کرده است لذا آنها هم مجبورند که اعراب را خبر نمایند. در جواب به او گفته شد خوب است قوام احتیاط را منظور داشته و اقدامی که صولتالدوله بتواند آن را دستاویز آمدن خود کند ننماید. و باز به او گوشزد شد که صولتالدوله هنوز ۸ منزل از راه سرحد دور است پس دلیلی بر اینکه خطر نزدیک است ندارد. پس قوام سؤال کرد آیا قنسولها اجازه می دهند که برای محافظت اهلاک خود که الان مشغول غارت آنها هستند از ده بید آدم اعزام دارد، به او جواب داده شد که این مسئله راجع به قنسولها نیست فقط تکلیف قنسولها این است که به قوام و صولتالدوله اخطار نمایند که هر کدام از آنها بدو به شیراز قشون وارد نمودند مسؤل خسارت جان و مال اتباع خارجه خواهند بود که از دعوای در شهر روی خواهد داد. در ۱۹ ماه [۲۸ تیر؛ ۱ رجب] تلگرافی از طرف سردار اسعد و تلگرافی از سید اسدالله از بوشهر به صولتالدوله و سید عبدالحسین لاری مخابره و به آنها اصرار شده بود که ساکت بنشینند. در ۲۰ ماه [۲۹ تیر؛ ۲ رجب] مردم به اطمینان اینکه آصفالدوله معزول شده از شاه چراغ خارج شدند. در ۲۱ ماه [۳۰ تیر؛ ۳ رجب] انتخاب علاءالدوله اعلان شد. عقیده مردم در خصوص این انتخاب مختلف است. محترمین شهر خوشحال هستند ولی اشخاصی که کارشان برپا کردن هیجان است بنای ضدیت را گذارده اند. در ۲۲ ماه [۳۱ تیر؛ ۴ رجب] هیجان بر علیه [= علیه] علاءالدوله و برله (=له) ظل السلطان شروع و بازارها بسته شد.

در ۲۳ ماه [۳۲ تیر؛ ۵ رجب] صولتالدوله تلگرافی به آصفالدوله مخابره کرد مشعر براینکه نباید از شیراز حرکت نماید و الا او یعنی صولتالدوله آصفالدوله را مراجعت خواهد داد.

در ۲۴ ماه [۱ امرداد؛ ۶ رجب] آصفالدوله از شیراز حرکت و دارالحکومه را به دست قراولهای قشقاتی سپرد. در ۲۵ ماه [۲ امرداد؛ ۷ رجب] از آباءه برای مستربیل تلگراف رسید که صولتالدوله با عده زیادی سوار برای شیراز حرکت نموده است و عده سوارى هم به آباءه برای ممانعت از ورود علاءالدوله به شیراز فرستاده است. به همین

ملاحظه مستر بیل از وزیر مختار اعلیحضرتی خواهش نمود که برای اعزام استعداد از بوشهر اجازه بدهد و این اقدام تصویب شد.

در ۱۴ ماه [۲۳ تیر؛ ۲۵ چ ۲] قنسول روس به مستر بیل اطلاع داد [ه بود] که او برای قنصلخانه خود از اصفهان قزاق خواسته است. در همان روز قراولهای قشقائی را از دارالحکومه خارج کردند و در ۲۷ ماه ژویه [۴ مرداد؛ ۹ رجب] راپورت رسید که صولۃالدوله در پنج منزلی شیراز است. قوام هم در همین موقع از شیراز بطرف اعراب عزیمت نمود.

بموجب پیشنهاد مستر بیل، مستر کرستمس که یکی از اجزاء تلگرافخانه است نزد صولۃالدوله فرستاده شد که شاید از پیش آمدن او جلوگیری نماید. مستر کرستمس در ۲۹ ماه [۶ مرداد؛ ۱۱ رجب] حرکت کرد. پس از مراجعت اظهار داشت که صولۃالدوله در ۱۲ میلی خارج شهر است و مایل است در اردوی خود با مستر بیل ملاقات کند. مستر بیل از صولۃالدوله ملاقات کرد و در ۳ ماه [۱۱ مرداد؛ ۱۶ رجب] راپورت داد که صولۃالدوله اظهار داشته که خیال حکومت ندارم. بغیر از علاءالدوله که سالها است با او خصومت دارم و شخصاً هم آدم بدی است هر کسی که حاکم بشود قبول خواهم نمود. صولۃالدوله گفته بود همان روزی که حاکم دیگری تعیین بشود تمام قشقائیه را از شیراز رجعت خواهد داد و برای اینکه نیت خود را ثابت کند قول داد که تا سه روز بیگر بطرف شیراز حرکت نخواهد کرد مشروط بر این که نه قوام بطرف شیراز حرکت و نه علاءالدوله از طهران عزیمت نماید. صولۃالدوله مایل بود که این مطلب به دولت ایران اشاره شود. و اظهار داشت تا جان دارد از آمدن علاءالدوله جلوگیری خواهد کرد. بموجب پیشنهاد مستر بیل صولۃالدوله قبول کرد که مطلب فوق را به قنسول روس بنویسد. مستر بیل گمان می کرد که قشون صولۃالدوله بیش از ۳ هزار نفر است و عدد زیادی نیز منتظر خبرند. صولۃالدوله پیش از وقت اعلانی در شیراز منتشر کرده که بنا به خواهش علماء کربلاء برای اجراء نمودن قوانین مجلس و انتخابات و ترتیب انجمن و خاتمه ظلم به شیراز خواهد آمد و در آن اعلان قول داده بود که هر چه غارت بشود از عهده غرامت بر خواهد آمد و نظم را پایدار خواهد ساخت. در ۲ ماه اوت [۱۰ مرداد؛ ۱۵ رجب] برای قنصلخانه شیراز استعداد وارد شد ولی بدبختانه دو نفر از سربازان هندی از تابش آفتاب هلاک شدند.

در ۵ ماه اوت [۱۳ مرداد؛ ۱۸ رجب] پس از آنکه ۳ روز معهود به آخر رسید صولۃالدوله اردوی خود را در بیرون شهر زده با دولت ایران مشغول مخابرات تلگرافی شد. در ۱۱ ماه اوت [۱۹ مرداد؛ ۲۴ رجب] راپورت داده شد که سهام الدوله به حکومت فارس معین گردید. مردم از حوادث جاریه طهران نه برای شاه تأسف خوردند و نه از اوضاع جدید خوشوقت شدند. خیالات مردم تماماً بطرف اوضاع محلی مصروف است.

خلیج فارس

بوشهر

سید مرتضی که از ۷ ماه ژویه [۱۶ تیر؛ ۱۸ ج ۲] محبوس بود در يك کشتی به بصره و از آنجا به نجف فرستاده شد. سید عبدالصاحب همراه او بود و از طرف دریابییگی و انجمن محلی کاغذی به علماء نجف نوشته شد که سید مرتضی یکی از مفسدین درجه اول است و خوب است او را در تحت نظارت نگاه داشته نگذارند که به نقاط دیگر برود. در ۲۰ ژون [۳۰ خرداد؛ ۱ ج ۲] انجمن محلی انتخاب گردید. و کلاء مرکباند از شش نفر آخوند و ۵ نفر تاجر. در ۲۳ ماه ژون [۲ تیر؛ ۴ ج ۲] بریا بیگی به موگام [مقام] که دهی است در مسافت ۵ میلی بوشهر حرکت کرد تا از آنجا بطرف تنگستان برود و همراه او ۳۰۰ نفر پیاده و توپخانه و سه عراده توپ در تحت فرمان میرپنجه با ۲۰۰ نفر تفنگچی در تحت ریاست احمد خان (که یکی از اقوام خان بندر ریگ است) و ۲۵۰ تفنگچی دیگر در تحت ریاست شیخ حسین چاه کوتائی بودند. راپورت رسید زائر قادر که یکی از طرفداران دریابییگی است ۲۵۰ نفر در اهرم برای خدمت حاضر کرده است.

دریابییگی بتوسط يك نفر قاصد به رئیس علی و حسن باکشو [بخشو] که دونفر رئیس متمرکستگستانی می باشند اولتیماتوم فرستاد. مضمون اولتیماتوم این بود رئیس علی باید دیلوار [دلووار] را به زائر قادر تسلیم نماید که در آن نقطه به ریاست گمرک منصوب و مسئول عایدات آنجا است و نیز رئیس علی و حسن باکشو لازم است تمام اموال [و] وجوهاتی را که از بوشهر بغارت برده اند مسترد سازند.

در ۲۵ ژون [۴ تیر؛ ۶ ج ۲] زائر قادر اهرم را مورد حملات خود کرده و آن نقطه را تصرف نمود و عصر همان روز دریابییگی از موکام به بوم گز [بنه گز، بنی گز] حرکت کرد.

در ۳۰ ماه ژون [۹ تیر؛ ۱۱ ج ۲] از شمشیری ده زائر قادر که دریابییگی به آنجا رفته بود خبر رسید که رئیس علی و حسن باکشو [بخشو] شکست خورده از دهات خود «دیلوار» [دلووار] و «انبارک» به کوه فرار کردند. دریابییگی دیلوار را به دست پسر زائر قادر سپرد و شخصی را نیز که موسوم به محمدباقر بود به ریاست گمرک آن نقطه منصوب کرد.

در همان روز خبر رسید که دریابییگی از حسن باکشو [بخشو] مطالبه خسارت و چیزهای دیگر کرده چون از او جوابی نرسیده ده او را (انبارک) به توپ بسته و متصرف شده و حکم کرده است که مقدار زیادی از درختهای نخل آن را که قیمت آن تقریباً دو هزار تومان بوده است برای جریمه ببرند. و نیز راپورت داده شد که در اول ماه ژویه [۱۰ تیر؛ ۱۲ ج ۲] دریابییگی نظر به اینکه رئیس علی پولی را که دریابییگی از او مطالبه می نماید قبول نکرده خیال دارد دیلوار را مورد حملات خود قرار بدهد و به «پرسپولیس» فرمان داده در همان روز حرکت و از طرف بریا به او همراهی نماید. در ۵ ماه ژویه [۱۴ تیر؛ ۱۶ ج ۲] رئیس علی دومرتبه دیلوار را متصرف شد.

بندرعباس

نظر به سرگرمی سید عبدالحسین لاری در ماه ژون، کاروان جرأت حرکت کرده و چند وقتی راه کاروان تا يك اندازه رو به کرمان امن بود.
ماژور استوکس، آتاشه میلینتر

نمره - ۲۲۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۷ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.
راجع است به تلگراف ۲۷ ماه اوت که در آن تلگراف استخلاص ظل السلطان را راپورت داده بودم:

در همان روز تلگرافی از ویس قنصول اعلیحضرتی مقیم رشت رسید که حرکت ظل السلطان را بطرف طهران اشعار می داشت.

دیروز تلگراف علیحده برای من رسید که اظهار می داشت در خصوص حرکت ظل السلطان بطرف طهران اشکال تراشی شده است. من تلگراف خواهم نمود که در این خصوص توضیحات لازمه را برای من بفرستند.

در جواب تمام مراسلات ما که در خصوص ظل السلطان به دولت ایران فرستاده ایم بغیر از جواب شفاهی چیز دیگری به ما داده نشده. این جواب در ۱۸ ماه اوت [۲۶ مرداد؛ ۱ شعبان] به ما داده شد و مفاد آن این است به ظل السلطان اجازه داده می شود که به طرف اروپا مراجعت نماید ولی کمیته باز اصرار دارد که از مشارالیه پول بگیرد.

گمان می کنم حالا دیگر موقعی است که باید يك اندازه در این خصوص اینستادگی نماییم. به عقیده من يك یادداشت متحدالمآلی در این خصوص از سفارتین بهترین راه چاره این واقعه می باشد. گمان می کنم ظل السلطان حاضر است که يك پولی هم کارسازی دارد. این یادداشت مذکور باید از دولت ایران درخواست نماید که بدون اذیت، ظل السلطان را اجازه بدهند تا به اروپا مراجعت نماید.

نمره - ۲۲۲

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرون مورخه ۳۰ ماه اوت ۱۹۰۹ [۷ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
ظل السلطان

راجع است به تلگراف ۳۰ ماه اوت [۷ شهریور؛ ۱۳ شعبان] از طهران.
خوب است شما خیالات اعلیحضرتی را توضیح نموده و از دولت روسیه تقاضا نمایید که به نمایندگی خودشان در طهران دستورالعمل بفرستند که موافق پیشنهاد سر بارکلی متحداً مذاکره نمایند.

نمره - ۲۲۳

تلگراف مستر اوپرون [اوبرون] به سر ادواردگری مورخه ۳۱ ماه اوت ۱۹۰۹ [۸ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۷] از پطرزبورغ.

ظل السلطان

(خواهش دارم که به تلگراف دیروزی خودتان رجوع فرمایید.)
امروز عصر با کفیل وزارت امور خارجه ملاقات نمودم. به من اطمینان داد که مطابق پیشنهاد سر بارکلی به شارژ دافر روس مقیم طهران تلگراف خواهد کرد.

نمره - ۲۲۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۰ شهریور ۱۲۸۸؛ ۱۶ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

دولت ایران یادداشت موجب خوشنودی در خصوص متحصنین و عفو عمومی به سفارتین فرستاده است.

در این یادداشت عفو عمومی را برای مقصرین سیاسی طهران اعلان می‌دارد ولی بعضی از خائنین که عجالاً متحصن و در آن یادداشت اسم آنها را ذکر کرده از این قاعده عفو عمومی مستثنی هستند. این استثناء در حق متحصنین سفارت روس و عثمانی است و دولت ایران عجالاً محاکمه این اشخاص را به عهده تعویق انداخته تا از ایران خارج بشوند در غیاب ایشان هر جرمی که از محکمه در حق آنها ثابت گردید هرگاه دوباره به ایران مراجعت کردند، جزای آن به موقع اجراء گذارده خواهد شد.

در ضمن همین مراسله دولت ایران درخواست می‌نماید که این اشخاص به فوریت حرکت نمایند و از سفارتهای مذکوره خواهش می‌نماید که به آن اشخاص مزبوره یادآوری نمایند که در صورت مراجعت آنها به ایران دیگر سفارت از آنها حمایت نخواهد کرد.

نمره - ۲۲۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۹ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۷ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز عصر در ساعت ۴ شاه سابق با اتباع خود از سفارت روس به انزلی حرکت کرد. ۱۲۰ نفر قزاق ایرانی در تحت فرمان يك نفر صاحب‌منصب روسی تا قزوین همراه او خواهند رفت و از آن نقطه قزاق روسی جای آنان را خواهد گرفت. همراه شاه سابق عده‌ای از اجزاء سفارتین با سه سوار هندی و سه نفر قزاق روسی خواهند بود.

نمره - ۲۲۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ سپتامبر ۱۹۰۹ [۲۰ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.
تلگراف ذیل مورخه ۱۱ سپتامبر [۱۹ شهریور؛ ۲۵ شعبان] از کفیل ژنرال قنصلگری
اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من مخابره شده است:
ستارخان مأمور اردبیل شد و از تبریز حرکت کرد. پیش از حرکت، ستارخان به
توسط پول سعی کرده بود که اهالی نمایشی داده نگذارند مشارالیه به اردبیل فرستاده شود
ولی حکومت اعتناء نکرده و در حکم خود ثابت ماند. حکومت برای موفقیت به این فقره
محل تمجید است.

نمره - ۲۲۷

مراسله از اداره هندوستان به وزارت امور خارجه انگلیس مورخه ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۹ [۱۹
شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۵ شعبان ۱۳۲۷]
آقا

مأمورم اطلاع بدهم مراسله شما که حاوی سواد مراسله سر بارکلی مورخه [۲۳ ماه ژویه
۲۳ تیر؛ ۵ رجب] مشعر به اظهار خدمات بعضی از اجزاء سفارت اعلیحضرتی طهران و آقایان دیگر
که در مدت انقلاب طهران تا خلع شاه سابق به ظهور رسیده بود واصل گردید.
در جواب من باید بگویم که لورد [لرد] مورلی از حکومت هندوستان خواهش نمود
که از طرف دولت اعلیحضرتی اظهار رضایت از خدمات مژور [ماژور] استوکس و ماژور او کونار
[اوکانر] کرده شود. بعلاوه به من گفته شده که سوادى از مراسله رئیس اداره تلگرافخانه
هند و اروپا راجع به رفتار اجزاء اداره مذکوره در موقع همان انقلاب برای شما بفرستم.
لورد مورلی خیلی خوشحال خواهد شد که بتصویب سر ادواردگری به مستر گرک
اجازه داده شود که از طرف دولت اعلیحضرتی به هر ترتیبی که صلاح بداند از اجزاء تشکر
بنماید. لورد مورلی نیز پیشنهاد می نماید به همان طوری که در خصوص ماژور استوکس
اظهار شد از دکتر اسکات هم اظهار رضایت نمایند.

کولن گامبل

ضمیمه در نمره - ۲۲۷

کاغذ مدیر کل اداره تلگرافخانه هندو اروپا مورخه ۲۶ ماه اوت ۱۹۰۹ [۳ شهریور
۱۲۸۸؛ ۹ شعبان ۱۳۲۷].

در ۱۸ ماه ژویه [۲۷ تیر؛ ۲۹ ج ۲] وزیر مختار انگلیس مقیم طهران مراسله ذیل را
به عنوان مستر باکر فرستاده است:

نظر بکثرت اشتغال نتوانستم زودتر اظهار رضایت از رشادت و آرامی و معقولیتی که
اتباع انگلیس در این اوضاع ناگوار هفته گذشته نشان داده اند کرده باشم. من از شما

تمنی می‌نمایم که لطف فرموده این پیغام مرا به اجزاء خود برسانید و همچنین اظهار تشکرات مرا از رفتار آنان بنمایید. مسافت مابین مرکز تلگرافخانه و اداره تلگرافخانه که در میدان توپخانه واقع است، زیاده از يك ميل است.

دولتی‌ها میدان توپخانه را متصرف بودند و خیابانهای اطراف در دست ملتیان بود. در مدت ۴ روز که از ۱۳ الی ۱۶ ماه ژویه [۲۲ تا ۲۵ تیر؛ ۲۴ تا ۲۷ ج ۲] باشد، متصل تیر زیادی مابین این دو دسته رد و بدل می‌شد. با وجود این تمام تلگرافچیها به سر موقع در اداره تلگرافخانه در سر کار خود حاضر می‌شدند اگرچه مخاطرات زیاد برای آنها در این تردد متصور بود. اداره تلگرافخانه نمی‌توانست که تلگرافات واصله را به محل خود برساند. ولی تلگرافاتی که از سفرای انگلیس و روس از قلهک برای سپهدار و سردار اسعد مخابره می‌شد به مرکز تلگرافخانه تلفون می‌کردند و از آنجا به توسط اجزاء انگلیس به صاحبانش می‌رسانیدند چون که فراشهای ایرانی جرأت بیرون رفتن را نداشتند.

در موقعی که سیم تلفون قلهک پاره شده بود هیچ ایرانی جرأت نمی‌کرد که برای تعمیر سیم بیرون برود تا اینکه یکی از اجزاء انگلیس را همراه خود می‌برد. در واقع رفتار تمام اجزاء در این اوضاع ناگوار بسیار خوب بود. من حس می‌نمایم که اگر وزیر هندوستان از رفتار اجزاء تلگرافخانه طهران اظهار تشکر نماید باعث تشویق زیادی از اجزاء طهران خصوصاً و اجزاء ایران عموماً خواهد گردید.

به همین ملاحظه من درخواست اجازه می‌نمایم که از طرف دولت به اجزاء اطلاع بدهم که از آرامی و رشادت اجزاء به طوری که راپورت داده شد دولت اظهار رضایت کرده، خصوصاً از اینکه ماه ژویه در هنگام جنگ اجزاء کار خود را بطور معمول انجام داده‌اند.

امضاء
گرک

www.adabestanekave.com

نمره - ۲۲۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۳ ماه سپتامبر ۱۹۰۹ [۲۱ شهریور ۱۲۸۸؛ ۲۷ شعبان ۱۳۲۷] از قلهک.

يك كمسیون ۴۰ نفری قائم مقام کمیته‌ای که تازگی اسم «هیئت مدیره = Directeur» را به خود گذاشته بودند گردیده است. کمیون جدید مرکب است از همان اجزاء کمیته. از این به بعد اشخاص دیگر به کار وزراء دخالت نخواهند کرد. علت این تغییر از قراری که می‌گویند رفتن محمد علی میرزا است که اوضاع به حال طبیعی خود برگشته است.

نمره - ۲۲۹

کاغذ وزارت خارجه انگلیس به اداره هندوستان مورخه ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۹ [۲۴ شهریور ۱۲۸۸؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۷]